

شماره ۹۱  
دوره دوم  
دوشنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۶۰  
بها ۲۰ ریال

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

دولت آقای دکتر محمد جواد باهنر، که چهارمین دولت پس از پیروزی انقلاب به شمار می آید، از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد گرفت و آغاز به کار کرد.  
دو سال ونیم پس از پیروزی انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن، علیرغم یکرشته دستاوردهای چشمگیر بسیاری از اقدامات ضرور در جهت اعتلای زندگی زحمتکشان ورهائی آنان از محرومیت های گوناگون مادی و معنوی انجام نشده باقی ماند و طبیعی است

که انتظار انجام آن اکنون از دولت جدید برود. پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت به علت مواضع طبقاتی و سرشت استکباری خود نه فقط نتوانست در راستای بازیافت حقوق محرومان جامعه حرکت کند، بلکه ترمیزی در این راه تبدیل شد.  
امواج بنیان کن انقلاب دولت موقت را از سر راه رفت و دولت شورای انقلاب مسئولیت اداره

بقیه در صفحه ۲

## محکوم به پیشروی

آنچه ضد انقلاب، آمریکا، متحدان، عمال و نغاله هایش - می خواهد باز پس گرفتن دستاوردهای انقلاب، شکستن واز میان برداشتن انقلاب است. اگر انقلاب سر "عقل" بیاید و بدان چنانکه کون کسب کرده است اکتفا کند، اگر انقلاب از پیشروی بیشتر خودداری ورزد و از گسترش و ژرفایی سر باز زند، متوقف و ساکن شود، نه چنان است که ضد انقلاب "راضی" خواهد شد، دست از دشمنی خواهد شست، با انقلاب کنار خواهد آمد. چنین تصویری از بیخ و بن خطا است. ضد انقلاب می خواهد که انقلاب را در جزه و کل آن درهم بشکند، حتی اثری از آن باقی نگذارد. از این رو، سردی که در عرصه های مختلف میان انقلاب و ضد انقلاب در جریان است، صلح نمی شناسد، سازش و آرامش در آن نیست. در این نبرد فیرا یکی پیشروی می کند و یکی عقب می نشیند، آنقدر که این با آن حریف درهم بشکند و توان مقاومت را اولسب شود. در این نبرد، ابتکار و تحرک با انقلاب است، همیشه و در هر زمینه، و این قانون انقلاب است. حتی توقف موقت، در هر عرصه ای که باشد، به سود ضد انقلاب تمام می شود، زیرا فرصت نفس تازه کردن و آرایش قوا به ضد انقلاب می دهد.

بقیه در صفحه ۱۱

## حقانیت - قاطعیت، قانونیت - اتحاد

انقلاب ماحق است. حقانیت انقلاب ما در این است که می خواهد - و می باید - ریشه نفوذ اسارتگر و غارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، را برکند، سلطه اسارتگرانه و غارتگرانه دویا یگا ه عمده داخلی امپریالیسم - کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی - را براندازد، استقلال همه جانبه میهن ما را تأمین کند، آزادیهای فردی و اجتماعی مردم میهن ما را تضمین کند و زندگی مادی و معنوی زحمتکشان میهن ما را بهبود بخشد.  
مردم انقلابی میهن ما، که برای نیل به این اهداف انسانی، مردمی و میهنی انقلاب، هم پیشرو هم پس از پیروزی انقلاب هزارها شهید داده اند و ایثارگرانه بیکار کرده اند، آماده اند که برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، بازم تا پای جان بیکار کنند. در برابر این مردم فقط می توان و باید سر تعظیم فرود آورد.

همه آنها که از این انقلاب لطمه دیده اند، بسرکردگی آمریکای جنایتکار، تمام نیروی جهنمی خود را بیکار گرفته اند، تا این انقلاب را سرکوب یا مسخ کنند. در برابر امپریالیسم آمریکا و متحدان و عمال و نغاله هایش

بقیه در صفحه ۱۱

## مردم سراسر جهان تصمیم دولت ریگان را درباره تولید جنگ افزارهای نو ترونی محکوم می کنند

صفحه ۷

## "سیا" برای نابودی قذافی و سرنگونی رژیم لیبی توطئه می کند

جزئیات نقشه براندازی کلاسیک "سیا" فاش می شود

چنانکه به یاد داریم، علاوه بر اسنادی که درباره زد و بند های مالی کیسی در گذشته انتشار یافت، ظاهراً تنها گزینش حقه باز رسوایی دیگر، به نام

بقیه در صفحه ۱۱

"سیا" دولت ریگان و فعالیت های تبهکارانه این سازمان جلوگیری کند، ولی رفته رفته جزئیات بیشتری درباره "ماجرای لانگلی" (لانگلی مقر "سیا" است) برملا می شود.

هر چند "کمیسون ویژه" سنای ایالات متحده آمریکا در امور جاسوسی رای موقت خود، مبنی بر این که دلیلی برای برکناری ویلیام کیسی نمی بیند، کوشید تا عالتاً از رسوایی بیشتر رئیس

## مسئولیت مضاعف حاکمیت انقلابی در برابر طبقه کارگر و تحقق خواست های آن

مهمی بر عهده دارد. اما مسئولیت آن در برابر طبقه کارگر و تحقق خواست های آن مضاعف است.  
طبقه کارگر ایران نه تنها در جریان تدارک و پیروزی انقلاب که به استقرار حاکمیت انقلابی به رهبری امام خمینی بقیه در صفحه ۱۰

حاکمیت انقلابی که اکنون در نتیجه شرکت وسیع توده های زحمتکش و مستضعف درختنی ساختن توطئه های اخیر امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی به سرکردگی آمریکا پیش از پیش به استحکام و انسجام درونی دست می یابد، در برابر توده های زحمتکش جا معه ایران مسئولیت

## چرا مبادله سفیرین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن معلق است؟

در این اعلامیه مشترک، که روز چهارشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۵۹ انتشار یافت، آمده است که:  
"باللهام از علائق تاریخی و فرهنگی و مذهبی دو دولت برادر و مسلمان ایران و یمن، از آنجا که از دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، برقراری روابط دوستانه و مودت آمیز، با همه خلقهای ستمدیده جهان، بخصوص خلق مسلمان منطقه است، دولتین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی تصمیم گرفتند که مناسبات سیاسی و دیپلماتیک و روابط دوستی و تفاهم فی مابین را در چارچوب منشور

بیش از یک سال و دو ماه از صدور اعلامیه مشترک دو کشور در مورد توافق دو کشور در برقراری روابط دیپلماتیک با یکدیگر می گذرد و هنوز این روابط دیپلماتیک، بصورت استقرار سفارتخانه و مبادله سفیر بین دو کشور برقرار نشده است. چرا؟

## از کید آمریکا غافل نباشید!

## مرگ بر آمریکا!

امام خمینی گفتند: "از کید آمریکا غافل نباشید!" حاضران پاسخ دادند: "مرگ بر آمریکا!"  
این گفت و باز گفت، این ندا و پژواک، شگفت انگیز نیست، ولی تحسین برانگیز است. براسستی، تحسین برانگیز است که هر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با درایت و قاطعیت خاص خود، با پیگیری خستگی ناپذیر خود به مردم ایران به نیروهای انقلابی و مسئولان مملکتی هشدار می دهد که دشمن اصلی انقلاب جمهوری اسلامی ایران آمریکا است، و آنهارا از توطئه های آمریکا، از کید آمریکا، از تفرقه های آمریکا بر حذر می دارند. آنهارا به تحکیم وحدت و تشدید مبارزه بر ضد این دشمن اصلی و توطئه ها و کیدها و نغاله هایش فرا می خوانند.  
تحسین برانگیز است که مردم انقلابی ایران با آگاهی و هشیاری، همراهِ با رهبر خود، و به پیروی از رهنمودهای رهبر خود، با غریب "مرگ بر آمریکا" نشان می دهند که دشمن اصلی خود را می شناسند و آماده اند که بر ضد این دشمن اصلی، توطئه ها، کیدها، و نغاله هایش تا حد ایثار جان برزند.

درستی هشدارهای امام درباره خطر "شیطان بزرگ" آمریکا "برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و واقعیت آمادگی مردم ایران برای مقابله با این خطر را زندگی دو سال ونیم پس از پیروزی انقلاب بارها و بارها اثبات رسانیده است.  
آمریکا، بعنوان بزرگترین، نیرومندترین، هارترین، تحاورکارترین و غارتگرترین قدرت امپریالیستی، همراهِ با متحدان و عمال و نغاله هایش تمام نیروی جهنمی امپریالیسم و ارتجاع جهانی و داخلی را بیکار انداخته است. تا انقلاب ایران را مسخ یا سرکوب کند.  
آمریکایی دو سال ونیم گذشته خود مستقیماً به ایران تجاوز نگاه می کرده (طیس)، کودتای نظامی سازمان داده (نوزه)، بوسیله همدست خود صدام حنایتکار جنگ برانداخته، بوسیله عمال خود کانونهای توطئه در کردستان و فارس و بلوچستان و سیستان و... بوجود آورده، خود دست به محاصره اقتصادی ایران زده و متحدان داخلی اش - کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان - را با گزینی و احتکار و کارشکنی و خرابکاری بحران اقتصادی ایران انداخته، عمالش را در دستگاه دولتی - کشوری و لشکری - جاداده تا برایش حاسوسی کنند (امیرانتظام ها) تا برایش کودتا کنند (کودتایمان نوزه)، تا انقلاب را مسخ کنند (باندیسی صدر)، و ردیلانه تر و ریاکارانه تر از همه، بوسیله عمال شناخته و ناشناخته اش کوشیده است در بین نیروهای انقلابی، که دارای عقاید گوناگون مذهبی، سیاسی و مسلکی هستند، نفاق و تفرقه ایجاد کند، از اتحاد آنها جلوگیری کند، آنهارا در مقابل هم قرار دهد، کوشیده است با تراشیدن خطر موهوم، خود را از زیر صره خارج کند و یا لاقط برای خود شریک جرم بتراشد، و در حال حاضر هم آخرین "چشمه اش" عملیات تروریستی و بمب گذاری بوسیله ماندن حوی است.  
و آنچه مهمتر و در عین حال خطرناکتر است، اینست که تمام این توطئه ها و کیدها، در تمام اشکال پنهان و آشکار خود، با شدت هر چه تمامتر ادامه دارند اهمیت هشدار امام و آگاهی و آمادگی مردم بویژه در همین حاست.  
واما نتیجه ای که باید از هشدار امام در مورد خطر آمریکا و آمادگی مردم برای مقابله با این خطر گرفت، این است که:

باهشیاری، با مبارزه با اتحاد از انقلاب صدام امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و از نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه ها و کیدهای آمریکا و متحدان و عمال و نغاله هایش دفاع کنیم، و مطمئن باشیم که در این صورت پیروزی قطعی و نهائی با مردم ایران است.

## "موثق" ترین روایت

### از داستان دزدی دریائی در قرن تمدن

متخصص عملیات "گازانبری" بوده است که در زمان "تابعه عظیم الشان" نقشه تصرف "گازانبری فققاز" را با یک لشکر شاهنشاهی کشیده بود و در زمان محمد رضای ملعون نام خود را از "منوچهری" به "آریانا" تبدیل کرده بود، تا نژاد اصیل آریایی اش مورد تصدیق "آریامهر" قرار گیرد. تحقیقات همچنین حاکی است که محرری این طرح "ملی گرایانه" و "وطن پرستانه" دزدی دریایی در یادار حبیب الهی، فرمانده "نیروی بقیه در صفحه ۹

تحقیقات "موثق" خبرنگار ما از منابع "موثق" خبری اکتی "آنها" درباره دزدی "ملی گرایانه" ناوجه موشک انداز ایران، به این نتیجه "موثق" رسیده است که بحمدالله "سیا" نه "اینتلینجنس سرویس"، نه سازمان جاسوسی فرانسه، نه سازمان جاسوسی اسپانیا و نه دولت های آمریکا و فرانسه و انگلیس و اسپانیا و مراکش هیچکدام در این دزدی دریایی "قرن تمدن" شرکت نداشته اند، بلکه طراح این دزدی دریایی "ملی گرایانه" همان ارتشبد بهرام آریانا (منوچهری سابق)

## درباره مقررات جدید پرداخت

## ارز دانشجویی

سازمان سنجش آموزش کشور مقررات جدید پرداخت دانشجویی را ضمن بخشنامه ای اعلام کرده است. بموجب این بخشنامه، در ۳۰ مورد دانشجویان ایران مقیم خارج، مشمول دریافت ارز تحصیلی نخواهند بود که از جمله داشتن تابعیت مضاعف، مهاجرت به خارج، حمل بقیه در صفحه ۹

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۷)  
"آنتی کمونیسم" دو آتشه  
بنی صدر در خدمت همکاری با آمریکا  
صفحه ۳  
هند در راه نوسازی های اقتصادی اجتماعی  
واستعمار زدایی پیش می رود  
صفحه ۸  
مسأله جنگ و صلح و دوران معاصر  
صفحه ۶

بقیه از صفحه ۱

# برنامه دولت آقای دکتر باهنر، آغازی برای اجرای اصول مردمی قانون اساسی

کشور بر عهده گرفت، اما نا همگونی اعضای دولت و باقی ماندن بسیاری از عناصر لیبرال در درون دولت جدید، باز هم مانع از آن شد که انقلاب در بستر صحیح حرکت کند. تا با سامانیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سامان یابد و آشفتنگیها و از هم گسپتنگیها نظم و نسق پذیرد.

سرانجام نخستین دولت منتخب مجلس شورای اسلامی به نخست وزیر آقای محمد علی رجائی مصدکار شد و این درست مقارن رویارویی هر روزی برده تریبی صدر و دارو دستهاش با خط صد امیر بالیستی و مردمی امام و مخالفت و کار شکنی در حق دولت منتخب مجلس، نهاد های انقلابی و کل حرکت انقلاب بود. صرف نظر از برخی

نا توانی ها و بی تجربگی ها در درون دولت همین کار شکنی ها و مانع تراشی های بنی صدر، به مثابه رئیس جمهوری که بر اساس "جبهه متحد ضد انقلاب" قرار گرفته بود و فعلا نه عملی کرد، بر حسب توقف امور مانع از پیشرفت انقلاب میشد.

اکنون با حذف بنی صدریها، باز آمدن لیبرالها به کنار و گویا سیاست با وارد آوردن ضربات سنگین بر سازمانهایی که در موضع رویارویی مسلحانه با انقلاب قرار گرفته اند، با انتخاب

رئیس جمهور و نخست وزیر و هیئت وزیران پیرو خط امام، سرانجام همسانی و همگونی میان سه قوه قانونگذاری و مجریه و قضائیه پدید آمده

## تصحیح و پوزش

در مقاله "رویدادهای بریتانیا - تظاهرات جامعه سرمایه داری" (صفحه ۹

اتحاد مردم، شماره ۸۹) هنگام چاپ، برخی جملات متناقضانه افتاده و یا جا بیجا شده، که با پوزش بشرح زیر تصحیح می شود:

جمله زیرین به پایان ستون اول اضافه شود:

"... نهی دستان کمک شود، ولی اصولا هر کس باید بر روی پای خود بایستد. در عرصه اقتصاد ..."

در ستون سوم، از پاراگراف ششم تا پایان ستون در زیر سطر ششم قرار گیرد.

## مبادله سفیر...

بقیه از صفحه ۱

سازمان ملل متحد و همکاری دولت ها به منظور اشاعه تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز در تحکیم مبانی صلح جهانی و عدالت اجتماعی از راه نفی هر گونه استعمار و استبداد و استعمار و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم جهانی و هر نوع تجاوز و توسعه طلبی از طرف قدرتهای دیگر، با رعایت اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برقرار و توسعه دهند ...

"دولتین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک خلق بین اطمینان دارند که گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان دو دولت برادر تاثیر زیادی در ثبات و پیشرفت آنان و سایر کشورهای منطقه خواهد داشت و کام مهمی در راه مبارزه برای محور هر گونه سلطه خارجی در منطقه محسوب خواهد شد"

مضمون این اعلامیه مشترک نیک نشان می دهد که برقراری روابط دیپلماتیک و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بین جمهوری اسلامی

مساعدترین فرصت مناسب برای ریزی سیاست داخلی و خارجی هماهنگ با ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایجاد شده است.

بطور کلی ترکیب وزیران دولت آقای دکتر باهنر و برنامه ای را که این دولت به مجلس ارائه داده است، می توان مثبت ارزیابی نمود و بدان امید بست. آقای دکتر باهنر، محتوای برنامه دولت خود را "حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین" و "ویژان ساختن تبعیض طبقاتی" نام گذاری کرده است و عمل به این برنامه را باید حرکتی در جهت تحقق خواست امام خمینی دانست، که در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای رجائی چنین گفته اند:

"شما باید برای این پاره ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند، کار کنید ... باید همه دست به دست هم بدهید که انشاء اله برای اینها یک زندگی ... مرفهی درست بشود"

پس از رای اعتماد به دولت آقای دکتر باهنر در مجلس شورای اسلامی، امام خمینی در دیدار با جمعی از ملاقات کنندگان بر روی مهمترین وظیفه دولت تکیه می کنند و می گویند:

"الان شما یک دولت قانونی که امیدوارم به دردمت برسد و این ضعیف و فقرا را و این مستضعفین را اداره کند، دارید"

بیان امام، تجلی خواست میلیونها مردم محرومی است که هنوز برکات انقلاب به خانه آنان راه نیافته و امید آن دارند که دست نواز شکر انقلاب غبار فقر و بیماری و جهل را از رخسارشان ببرد.

برنامه دولت در کل خود به این مسئله اساسی، که انقلاب باید تبعیض طبقاتی را در جامعه ریشه کن سازد توجه میدول داشته است و بر "اجرای اصول قانون اساسی، که ضامن رشد اقتصادی صحیح" است تاکید دارد. این هدفی است که دولت حاضر بر بر خویش نهاده است. برای دستیابی به این هدف، دولت وظیفه اجرای اصلاحات ارضی انقلابی، احقاق حقوق غصب شده

زحمتکشان روستا، تعیین حدود مالکیت صنعتی، دولتی کردن بازرگانی خارجی، برداشتن بار ازدوش طبقات کم درآمد از طریق اجرای سیاست های نوین مالیاتی، تأمین مسکن مناسب برای هر خانواده را در برابر خود نهاده است.

بیش از نیمی از جمعیت کشور ما روستائین است، دهقانان زحمتکش داغ استعمار قرون را بر رخسار و بارشکنجه های سالیان را بر دوش دارند. این نخستین بار در کشور ما است که انقلاب مستضعفین به ثمر نرسیده است، باید برای این

مردمی که با حماسه آفرینی های اعجاب انگیز، طاغوت را از کشور خود راندند، کاری انجام داد، اجرای اصلاحات ارضی انقلابی که حق را به حق دار وزمین رابدست دهقان برساند، آن گام ارزنده ایست که باید بعنوان مبداء حرکت بسوی استقرار عدالت اجتماعی برداشته شود.

تعیین حدود و ثغور مالکیت صنعتی، نگه داشتن بخش خصوصی در مرزهایی که نتواند بحساب میلیونها کارگر محروم، ثروت بر ثروت بیفزاید، آن

اقدام ضروری است که هم اکنون جامعه انقلابی ما بدان نیاز دارد. تنها با مهار کردن سرمایه داران بزرگ در بخش صنعتی و بازرگانی و مقابله جدی

با استثمار و غارتگری می توان انقلاب را در راه هدف های مردمی آن پیش برد و نخستین سنگ ایجاد تحول اساسی در زندگی زحمتکشان را بنیان نهاد.

مواعید دولت در باره دولتی کردن بازرگانی خارجی، نظارت بر قیمت ها، حذف واسطه ها از طریق ایجاد تعاونی های تولید و توزیع، برقراری رابطه متعادل میان درآمد و هزینه مسکن، پیاده کردن طرح شبکه های بهداشتی و درمانی در سطح کشور ضمن اولویت دادن به محروم ترین نقاط و تأمین آموزش سراسری رایگان روزهای به نور در زندگی زحمتکشان خواهد گشود.

باید باور داشت که کلید پیروزی نهائی انقلاب در ایجاد جاذبه برای محرومان جامعه است، تا آنان را در سنگر دفاع از انقلاب همچنان استوار و بی تزلزل نگاه دارد. قشرهای محروم باید ببینند و احساس کنند که انقلاب نعمت یک زندگی شایسته را به آنان ارزانی داشته، باید باور کنند که انقلاب برای آنان ارمانی در انبان داشته است

نکته مهم دیگر در برنامه دولت آقای دکتر باهنر توجه به ضرورت تأمین آزادیهای سیاسی در جامعه است که نیاز مبرم انقلاب ما است. علیرغم موضع گیری های شفاهی و عملی برخی عناصر انحصارگر، که پنهان و آشکار ضرورت سرکوب همه سازمانها و گروه های دگراندیشا مومنه انقلاب را تبلیغ می کنند، در برنامه دولت به روشنی تصریح شده است که همه احزاب و سازمانهایی که حاضر به فعالیت در چارچوب قانون اساسی باشند و از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کنند، از آزادی فعالیت برخوردار می شوند و دولت آزادیهای قانونی آنها را تضمین می کند. احترام به آزادی فعالیت احزاب و گروه های مومن به انقلاب، دقیقاً پیاده کردن محتوای اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب است، که در موقع خود با استقبال عمومی روبرو گردید.

مرزبندی عقلائی و منطقی میان دوستان و دشمنان انقلاب، یعنی انتخاب ضوابطی بر اساس مومن بودن به انقلاب و یا پشت کردن به آن پشتیبانی از انقلاب و یا خصومت و مقابله با آن، می تواند انقلاب را از پشتوانه عظیم حمایت عمومی برخوردار کند و برعکس، مخدوش ساختن و آشفته کردن مرزها، پایگاه مردمی انقلاب را تنگ و تنگتر می کند، و این جز به سود امپریالیسم و دشمنان انقلاب نیست.

مرزبندی میان دشمنان و دوستان بر اساس دشمنی و دوستی آنان با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یگانه مرزبندی پذیرفتنی است که امید است در سیاست خارجی دولت هم بازتاب صحیح خود را بیابد و سیاست خارجی انقلاب را از برخی ابهام ها برهاند.

دولت جدید در جو مطلوبی کار خود را شروع کرده است و مشخصه نوید بخش آن وجود تفاهم و هماهنگی است. امید است که در این جو مطلوب دولت آقای دکتر باهنر در پیاده کردن برنامه های خود موفق باشد و به توقعات عمومی پاسخ مثبت گوید.

دانست، بین دو کشور ما برقرار نشده است، چرا؟

شاید پاسخ این چرا این باشد که جمهوری دموکراتیک خلق یمن کشوری است از "بلوک شرق" ولی این مسئله نیز، مشخص نیست به جمهوری دموکراتیک خلق یمن، مدتها پیش، آنهم از طرف روزنامه "ارگان حزب جمهوری اسلامی، تا حدود زیادی طرح و پاسخ آن داده شده است. یکسال پیش روزنامه "جمهوری اسلامی" (شماره های ۱۹ و ۲۰ خرداد ۱۳۵۹) طی مقاله ای در مورد مشی سیاسی که دولت جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به غرب و نسبت به "بلوک شرق" اتخاذ کند، از جمله چنین نوشت:

"... دشمنی ما با آمریکا یک دشمنی بنیادی است و در عین حال اگر بلوک شرق نخواهند با ما از در دشمنی وارد شوند، ما در لزوم مقابله به مثل تردیدی نخواهیم کرد، هر چند در همه حال صلح و دوستی را دوست داریم ... ما اگرچه دشمنان فراوانی داریم، ولی می توانیم دوستانی نیز داشته باشیم، مثلا در بلوک شرق ما می توانیم با ... یمن جنوبی بیشتر رابطه برقرار کنیم و تنگه باب المندب را بصورت طناب دار

امپریالیسم در آوریم ... توجه داشته باشیم که پرهیز ما از بلوک شرق از جهان بینی "اسلامی" ما نشأت می گیرد، نه اینکه بخواهیم این پرهیز بگونه ای ناخود آگاه و ناخواسته در

دامن شیطان بزرگ، یعنی آمریکا فرو غلطیم. ما با آمریکا دشمنیم. دشمنی ما با نظام کاپیتالیستی آمریکا وجود دارد، وجود خواهد داشت. صدها سال است که بوسیله غرب به زنجیر کشیده شده ایم ... ما نمی توانیم به هیچ روی با غرب (دولت های امپریالیستی) بویژه با امپریالیسم آمریکا وارد معامله سیاسی شویم ... در صورتیکه در مقابل جهان شرق (کشورهای سوسیالیستی) نیز ما استقلال خود را حفظ می کنیم، ولی اگر آنها تفاهم را دوست داشته باشند، برای حفظ منافع و موجودیت خود (در برقراری رابطه با آنها) درنگ نخواهیم کرد"

از این نوشته بیش از یکسال میگذرد در این مدت وزارت امور خارجه از چنگ لیبرالها خارج شده است. سردبیر "جمهوری اسلامی" وزیر امور خارجه شده است. دیگر بهانه جویی برای جلوگیری از برقراری رابطه با "شرق" بمنظور سازشها "غرب"، در وزارت امور خارجه نمی تواند موثر باشد. و نیز ثابت شده است که "شرق"

فرازهای از

## سخنان مهم امام خمینی رهبر انقلاب

### و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

خطاب به رئیس جمهور، نخست وزیر

و هیأت دولت در دیدار روز پنجشنبه ۲۹/۵/۶۰

بمردم بجای برنامه دادن عمل می خواهند. هیچ دیگر شماها عذر ندارید ما هیچ کدام دیگر عذر نداریم. در طول این مدت هی عذرهای بی بود و واقعا هم عذر بود. مردم دین خودشان را به جمهوری اسلامی تاکنون ادا کردند. به تکلیف خودشان مردم عمل کردند اشکال در ماهاست. باید ما جواب مردم را بدهیم ...

باین مردم زحمت کشیدند، البته مردم زحمت کشیدند و غالباً هم فداکاری کردند، و این قدر هم توقع ندارند که چه ما باید ادا کنیم دین این مردم را که حتی جان شان را، بچه ها شان، جوان ها - شان را فدا کردند.

باینها کار خودشان را کرده اند و انصافاً از اول انقلاب تا حالا، آنکه کار خودش را و صد درصد صحیح انجام داد، ملت بود. او صد درصد کار خودش را خوب انجام داد، یعنی در همه مشکلات با دولت موافقت کرد.

\* ... حال نوبت آقایان است، که در مقابل اینهمه زحمتی که آنها کشیدند و محبتی که آنها کردند و فداکاری که آنها کردند ... و جدان اقتضای این را می کند که در همه جا کارها به نفع مملکت و بنفع اسلام و بنفع این جمعیت ها و خصوصاً این مستمند ها می که در همه کشور هستند (شود).

بمردم حاضرند که وقتی یک مشکلی را دیدند برای هر یک از شما، مردم حاضرند به این که عمل بکنند. نوبت نوبت شماست که باید این دین را به این مردمی که شما رساننده اند سر این مستند، دین خودتان را عمل بکنید. ادا کنید به مردم. بیکی از مسائل مهم قضیه افرادی است که در وزارتخانه ها هست. افرادی که

ممکن است باشند. هست البته. که اینها علاوه بر این که خدمت نمی کنند کار شکنی هم می کنند، هستند ... اینها باید شناسایی بشوند، درست این افراد کنار گذاشته بشود.

باین دیگر کسی نیست که شما عذر بیاورید که من می خواستم بکنم فلانی نگذاشت ... الان این مسائل بحمد الله نیست. اختیار دست خود شماهاست و شماها باید برای این ملت خدمت کنید، خودتان را خد متگزار مردم بدانید. اگر در ذهنتان بیاید که من وزیرم و باید مردم از من چه بکنند، بدانید. اصلاح نشدید.

نه فقط "باما از در دشمنی" وارد نمی شود، نه فقط آنها باما "تفاهم را دوست دارند"، بلکه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قویا پشتیبانی کرده و

می کنند، پس در گسترش مناسبات متقابل سودمند و در همکاری با آنها در مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک - امپریالیسم و صهیونیسم، بسرکردگی آمریکا - و برای "حفظ منافع و موجودیت خود" کمترین

درنگی جایز نیست. اکنون دیگر همه "موانع مفقود" است، می توانیم و باید با جمهوری دموکراتیک خلق یمن، مناسبات گسترده ای برقرار کنیم. تا "باب المندب" را بصورت طناب دار، امپریالیسم در آوریم"

مانظرو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را به تمامی نکات فوق جلب می کنیم. بگمان ما دیگر وقت آن رسیده است که جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دموکراتیک خلق یمن روابط دیپلماتیکی در سطح سفیر و مناسباتی هر چه گسترده تر بر مبنای اعلامیه مشترک مورخ چهارشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۵۹ برقرار کند.

کتابخانه ابوالحسن بنی صدر (۷)

# "آنتی کمونیسم" دو آتشه بنی صدر در خدمت همکاری با آمریکا

## درباره

### سرمایه داری جهانی و آمریکا

بررسی نظریات، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و کتاب‌های بنی صدر که شامل برهزاران صفحه می‌شود، نشان می‌دهد که اساسا برای او امپریالیسم جهانی، بعنوان سیستم یگانه‌ای که توسط انحصارات و سرمایه‌داران بزرگ هدایت می‌شود، مطرح نبوده است. این بزرگترین اندیشه جهان معاصر "بر آن بود که تنها صهیونیسم است که بر مجموع امپریالیسم جهانی حاکم است و آنچه در انتخاب این یا آن رئیس جمهوری در ایالات متحده دخیل است، روانشناسی "حاکم بر روحیه" مردم آمریکا است به این ترتیب برای بنی صدر "دشمن اصلی" مفهومی نداشت و او از زمان انتخاب به ریاست جمهوری تا سقوط تنها دو بار از آمریکا بعنوان "دشمن اصلی" یاد کرد، که تازه در این موارد هم مقصود اصلی مردم ایران بودند (شرح آن در سطور بعد خواهد آمد) و در موارد دیگر آمریکا را بخاطر مسائل فرعی فقط سرزنش می‌کرد. از ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ حملات بنی صدر به آمریکا به حداقل کاهش یافت. تنها در ارتباط با جنگ تحمیلی صدام علیه ایران بود که بنی صدر آمریکا را مقصر می‌دانست، و البته کمتر آموزش می‌گرفت که شوروی را در این کار با آمریکا شرکت دهد!

بنی صدر که مبارزه خلق با امپریالیسم آمریکا را قلابی می‌دانست و می‌گفت:

"همواره کوشیده‌ام که برای هموطنان خودم توضیح بدهم که میان "مخالفت قلابی" و "مخالفت واقعی" با آمریکا تفاوت دارد. (انقلاب اسلامی - ۱۲ اسفند ۱۳۵۹) -

تنها مخالفت خود را واقعی می‌دانست:

"در زمینه مبارزه با سلطه آمریکا اقدامات قاطعی اگر انجام گرفته‌هیم - هایی است که من انجام داده‌ام." (کیهان - ۱۱ دی ۱۳۵۹)

بنی صدر شرط داشتن بهترین رابطه را با آمریکا "رسم" به دبیر کل سازمان ملل متحد چنین اعلام می‌کرد:

"یقین بدانید که اگر دولت آمریکا در مقام تحقیر ملت ما بر نمی‌آید و حتی از قبول حق تعقیب قانونی که ساری که بر ضد این ملت مرتکب جنایتها شده اند سرباز نمی‌زد و اگر به خطای خود در حکومت خوین و ظالمانه و غیر مشروع و ویرانگر اعتراف می‌کرد، اینک دولت ایران و آمریکا بهترین رابطه‌ها را با یکدیگر داشتند." (انقلاب اسلامی - ۱۳۵۹/۸/۲۲)

بنی صدر، که این پیام رسمی را، بعنوان سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، به دبیر کل سازمان ملل متحد می‌فرستاد و شرط داشتن بهترین رابطه را اعتراف آمریکا به "خطا"ی خود (بنی صدر به ۲۵ سال جنایت و غارت می‌گفت "خطا") می‌دانست، رد پای آمریکا را حتی در کردستان هم نمی‌دید:

"برای بی بردن به جواب این مساله (نقش صهیونیسم و امپریالیسم در کردستان) ما باید اطلاعات جمع کنیم و همینطور نمی‌توان در این باره قضاوت کرد" (کیهان - ۱۷ مرداد ۱۳۵۸)

بنی صدر می‌گفت که مردم ایران به امپریالیسم آمریکا کینه ندارند:

"هوشیاری شگرف مردم ما در این بود که تن به تحریکها ندادند و کینه نسبت به آمریکا را به دل خود راه ندادند" (انقلاب اسلامی - ۶ آذر ۱۳۵۸)

بنی صدر نگران این بود که:

"در تمام مدتی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، آمریکا هیچ علامت خوشایندی از خود نشان نداده است." (انقلاب اسلامی - ۲۷ آبان ۱۳۵۸)

وقتی توطئه‌های بی دریبی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دیگر اجازه نمی‌داد که حرفهای بنی صدر حتی بچه‌ها را هم گول بزند، بنی صدر آن روی صفحه را گذاشت و با استفاده از "گروگان" گیری جاسوس‌های آمریکا، همه تقصیرها را به گردن مردم ایران و اقدامات غلط دیگران - یعنی پیروان خط امام - انداخت:

"با این پیش‌آمدها (گروگان گیری) چگونه می‌توان انتظار داشت که شیراز نامور کشور از هم نیاشد؛ در خوزستان لوله‌ها را منفجر نکنند و ابر قدرت آمریکا این کارها را علایم ناتوانی کامل دولت و همه متصدیان انقلاب نداند." (انقلاب اسلامی - ۱۸ بهمن ۱۳۵۸)

"دشمن اصلی، قدرت سلطه جوی آمریکا که فرصت اخیر (گروگان گیری) را نیز برای تغییر روحیه و انزواطلبی مردم آمریکا که بعد از شکست ویتنام پیدا کرده بود، به روحیه "مداخله طلبی سخت مغتنم" شمرده است و هیچ قصد ندارد ملت ما را به حال خود بگذارد." (انقلاب اسلامی - ۲۶ آذر ۱۳۵۸)

بنی صدر از این هم جلو تر رفت و انتخاب ریگان - یعنی پیرو شدن جناح هارتر امپریالیسم یانکی - افزایش بودجه نظامی آمریکا توسعه "اختیارات" "سیا" و تشدید تبلیغات امپریالیستی علیه انقلاب ایران را بحساب مردم ایران و عمل انقلابی آنها، یعنی "گروگان گیری" نوشت:

"اینک ما با رها کردن زمینه‌های اصلی مبارزه و دادن ابتکار عمل به دشمن اصلی، ایجاد بیبهاغه عاطفی، داریم موجب تغییر روحیه و رفتار مردم آمریکا در جهت تقویت تمایلات فاشیستی و مداخله گرانه می‌شویم. مطالعه جریان رشد فاشیسم در اروپای مرکزی جای تردید نمی‌گذارد که عوامل عاطفی، بیشتر از عوامل دیگر در رشد اینگونه تمایلات موثر می‌شوند. جریانی که مساله گروگان گیری بخود گرفت همان جریان رشد افکار تجاوزگرانه است و به دستگه حاکم آمریکا امکان داد اختیاراتی که از سوی سلب شده بود و بویاز گرداند و امروز از نظر "قانونی" دست سیا برای ارتکاب هرگونه جنایتی باز است، بودجه نظامی آمریکا تصویب شد. محتوای مطبوعات و دیگر دستگاه‌های تبلیغاتی و حتی در محیط مدرسه نیز تغییر یافت." (انقلاب اسلامی - ۱۶ فروردین ۱۳۶۰)

بنی صدر از این هم جلو تر رفت و جنایات آمریکا را علیه ایران ناشی از ضعف‌های حاکمیت ایران (البته غیر از خودش) در برابر پیروان خط امام قلمداد کرد:

"اگر ما درست کار می‌کردیم، بیکاری، گرانی، فلج اقتصادی، جنگ، بی عدالتی‌ها، اخلاق فاسد و تباها یا به وجود نمی‌آمد و با آنچه بود از بین می‌رفت و عدالت قضایی و امنیت را برقرار می‌کردیم و اگر همه این کارها می‌شد، آمریکا از کدامین ضعف ما استفاده می‌کرد؟ ... این کارها را می‌کنید، کشور را به تباها می‌کشاند، بعد می‌گویند از آنها حرف نزنید چون آمریکا استفاده می‌کند. آمریکا از این حرفها استفاده نمی‌کند، بلکه از این اعمال است که استفاده می‌کند." (کارنامه بنی صدر - جلد ۵ - ص ۱۴۲)

بر اساس این بینش نسبت به آمریکا و معرفی دشمن اصلی به این شکل بوده که بنی صدر تنها با قطع رابطه با آن موافق نبود:

"... ما علاقهای به قطع رابطه با آمریکا نداریم." (کیهان - ۲۹/۸/۱۳۵۸)

خود را با آن در جنگ نمی‌دید:

"... ما نگفته بودیم که با آمریکا وارد جنگ شده‌ایم، گفته بودیم و می‌گوئیم که آمریکا بر ضد انقلاب ایران مقدمات جنگ همه جانبه‌ای را فراهم می‌آورد." (انقلاب اسلامی - ۲۸ آبان ۱۳۵۸)

## درباره

### جامعه کشورهای سوسیالیسی

### و اتحاد شوروی

بنی صدر درباره آمریکا به صورتی که بدیدیم، می‌اندیشید و تبلیغ می‌کرد. نظریات بنی صدر درباره اروپای غربی، که او آشکارا خواهان پیوستن ایران به آن بود، در شماره ۸۷ "اتحاد مردم" و در قسمت سوم این بررسی به تفصیل شرح داده‌ایم. حال بنی صدر درباره جامعه کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی و همچنین کشورهای انقلابی مسلمان چگونه می‌اندیشید و تبلیغ می‌کرد.

بنی صدر، که ۲۵ سال حنایست و غارت امپریالیسم جهانی، بسرگردگی آمریکا را "خطا" می‌دانست، در سالگرد انقلاب خونین ۲۲ بهمن، در میدان آزادی نعره می‌کشید:

"در دوران معاصر ۶۰-۵۰ ساله اخیر سه بار جنبش‌های ما را عناصر وابسته به همسایه شمالی بنا بودی کشاندند ... اینها در سه نوبت انقلاب‌های ما را به نابودی کشاندند. انقلاب مشروطه را همین عوامل که وسایل روی کار آمدن رضا خان شده بودند، بنا بودی کشاندند. انقلاب جنگل (میرزا کوچک خان) را به همین ترتیب از بین بردند. و انقلاب نفت را هم به همین ترتیب به ۲۸ مرداد کشاندند و حالا هم بجان این انقلاب افتاده‌اند" (انقلاب اسلامی - سهشنبه ۲۵ بهمن ۵۹)

به این ترتیب بنی صدر نه تنها نقش خائنه روسیه تزاری را در انقلاب مشروطه به حساب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌نویسد و بر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر خط بطلان می‌کشد، نه تنها نقش خائنه امپریالیسم انگلستان را در روی کار آوردن رضا خان ندیده می‌گیرد، بلکه کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد را هم که حتی خود گرداننده آن مامور "سیا" کریمت روزولت نیز بدان اعتراف کرده است به اتحاد شوروی نسبت می‌دهد.

بنی صدر بدینوسیله هم بر دست‌های خونین آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد آب تطهیر می‌ریزد، و هم پای آن را از توطئه‌های اخیر بیرون می‌کشد. به این می‌گویند بایک تیره نشان، شاید هم چهار نشان!

بنی صدر حتی کودتای تنگین ۲۸ مرداد را توجیه می‌کند و به امپریالیسم غارتگر آمریکا حق می‌دهد:

"از دوره قاجاریه تا امروز زیادی روس و آمریکا متقابلا یکدیگر را علت وجودی خود شمرده‌اند. آمریکا ثیان در ایران کودتای کشنده را انجام داد، اگر آنها کودتای ۲۸ مرداد را نمی‌کردند، ایادی روس (حزب توده) زمام امور را بدست می‌گرفتند." (انقلاب اسلامی - اول اسفند ۱۳۵۹)

بنی صدر سپس با تبلیغ این نظریه امپریالیستی که:

"فاشیسم و کمونیسم ... کاملاً ضد و مقابل یکدیگرند در ظاهر، اما در محتوی دارای یک محتوی هستند." (انقلاب اسلامی - ۲۹ بهمن ۱۳۵۹)

پس با "خطر شوروی" هشدار می‌دهد:

"گفتم که لنین خود بوسیله روزنامه - ها از وقوع انقلاب در روسیه مطلع شد بلافاصله دستور العملی که لنین کرد این بود که در اولین فرصت باید قدرت را از دست کسانی که آنرا در دست گرفته‌اند

بیرون کشید. همین‌الگو را در زمان خودمان، مقارن انقلاب خودمان، کسی پیش در افغانستان دیدیم و بگمان من جانبداران سیاست روسیه در ایران در پی آنند که این تجربه را در ایران تکرار کنند." (انقلاب اسلامی - ۲۷ بهمن ۵۹)

"روس‌ها در مرزهای ما قوای نظامی جمع آورده‌اند و ناگهان در گنبد "فدایی خلق" با تفنگ‌های دوربین دار، امنیت را برهم می‌زنند، افغانستان اشغال نظامی می‌شود و غول روسی دندان نشان می‌دهد." (انقلاب اسلامی - ۲۱ بهمن ۱۳۵۹)

"چگونه می‌تواند انکار کند که روسیه تمامی کوشش خود را بعمل می‌آورد که ما را در این سرگرمی‌ها فروتر ببرد تا با خیال راحت کار افغانستان را بسازد و بسراغ ما بیاید." (انقلاب اسلامی - ۱۹ اسفند ۱۳۵۹)

"تانک‌های شوروی همسایگان و برادرانمان را همی‌کشند و ما در این شرایط نمی‌توانیم ساکت بمانیم ... شوروی‌ها به دروازه‌های ما سیده‌اند و اندیشه آنها برای دست یافتن به آبهای گرم برای ما خطری بالقوه است" (اطلاعات - ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)

"سیاست روسیه در ایران به سه پایه استوار است: دیپلماسی آشکار، دیپلماسی پنهان و استفاده از عوامل خود در ایران یعنی حزب توده تا ایران را وابسته بخود گردانند." (انقلاب اسلامی - ۱۲/۲۲/۱۳۵۹)

به تازگی سخن سخنان توجه کنید! همه آنها هنگام تدارک کودتای بنی صدر در راس "جبهه متحد صد انقلاب" علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفته و نوشته شده است. (ما این زمینه چینی برای کودتا را، که عیناً مانند ریشه سازی قبل از کودتای ۲۸ مرداد است، در شماره قبل شرح دادیم.)

بنی صدر، که حنایات آمریکا را "خطا" می‌دانست و با آن سر جنگ نداشت، درباره اتحاد شوروی، چنین تبلیغ می‌کرد، و البته این ها که آمد، تنها قطره‌ای از دریای تبلیغات و علیه اتحاد شوروی است.

بنی صدر، که کمتر شماره "انقلاب اسلامی" بود که در آن به اتحاد شوروی حمله نکند، "کارنامه" خود را، ۲۵ بهمن تا اسفند ۱۳۵۹، تماماً به مطالب ضد شوروی اختصاص داد. او که می‌نوشت:

"من در مقام ریاست جمهوری وقت صرف خواندن کتابهایی از این نوع می‌کنم و آنها را طرح می‌کنم و آنها را مورد ارزیابی و انتقاد قرار می‌دهم جز برای تعهدی نیست که در قبال خدا و خلق دارم تا او هشیاری لازم را پدید کند." (انقلاب اسلامی - ۲۷ بهمن ۱۳۵۹)

و اعتراف می‌کرد:

"این کتاب از نظرم که آنرا چند بار خوانده‌ام و همانطور که گفتم نخستین کتابی نیست که من در این باره خوانده باشم، کارهای عملی تمرکز قدرت و استقرار استبداد را در روسیه نشان می‌دهد." (انقلاب اسلامی - ۱۶ اسفند ۱۳۵۹)

منظورش کتابی بود بنام "نومان کلاتورا" که توسط دستگاه‌های جاسوسی امپریالیسم علیه اتحاد شوروی تهیه شده و روزنامه "میزان" هم بعداً متن آن را بطور کامل چاپ کرد. علاوه بر این، بنی صدر از کتاب میلیون جیلاس مرتد، که در زمان شاه ملعون توسط یک مرتد دیگر ترجمه شده بود و از نوشته‌های کارل پوپر به اصطلاح فیلسوف نقل قول می‌کرد، ماز تکرار این لفاظیات، که فشرده کتاب است، خود - بقیه در صفحه ۱۰

# تاشیطان بزرگ هست، شعار ما و فریاد ما همیشه مرگ بر آمریکا و مقابله با آمریکاست

ملت ایران را علیه آمریکا کمتر کند و مقداری از این خشم را متوجه خودش کند، بداند اشتباه کرده است".

حجت الاسلام خوئیینی ها با تاکید بر اینکه "فرانسه و دولتهای مشابه ذناب آمریکا هستند" یاد دیگر تاکید کرد:

"ملت ایران هوشیار است که هرگز تا این آمریکا و شیطان بزرگ هست و تا ضربه نهائی را اسلام و انقلاب اسلامی بر این شیطان بزرگ وارد نکرده است فریاد ما و شعار ما همیشه مرگ بر آمریکا است و همیشه مقابله با آمریکا است".

تصویب نمایندگان رسید. ماده ۱ لایحه بازسازی تیز در همین جلسه به تصویب رسید.

**سالگرد کودتای آمریکایی**

**۲۸ مرداد**

جلسه علنی بعدی مجلس روز ۲۸ مرداد به ریاست حجت الاسلام موسوی خوئیینی ها تشکیل شد. در این جلسه علی ملکوتی، نماینده مردم سراب و اولین ناطق قبل از دستور، طی سخنانی، با اشاره به فرار سیدن سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸

اینکه واردات کالا و توزیع آن باید در دست خود مردم قرار گیرد و اگر تقاضای آن است، به نفع "بیت المال مسلمین" صرف شود، این مسیر را "خط اصلی کار" دانست. وی در پایان سخنان خود از مجلس خواست که، برای اعتمادی که به این کابینه می دهند، از همان قدم اول دولت را در انجام وظایف سخت و دشوارش پاری کنند.

موافق کابینه، طی سخنانی به تاریخچه دولتهایی که پس از انقلاب روی کار آمدند اشاره کرد و این مسیر را از دیدگاه خود به "فاطمیت انقلاب" دانست. وی همچنین با اشاره به لزوم تغییرات اساسی و بنیادی در بودجه سال ۶۰، خواستار تنظیم بودجه سال ۶۱ بر اساس تجدیدنظر کلی در بودجه سال ۶۰ شد.

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

اولین جلسه علنی مجلس که روز ۲۵ مرداد تشکیل شد، به بحث در مورد کابینه اختصاص داشت. در سخنان قبل از دستور این جلسه، ابوالفضل رضوی اردکانی، نماینده سیدان از جمله گفت:

سپس مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد جزئیات لایحه بازسازی ادامه یافت. در این جلسه اعتبارنامه هاشم حجازی نماینده ماکو طرح شد و تصویب نمایندگان رسید و نیز گزارش شعبه ۶ مجلس

جلسه علنی بعدی مجلس روز ۲۸ مرداد به ریاست حجت الاسلام موسوی خوئیینی ها تشکیل شد. در این جلسه علی ملکوتی، نماینده مردم سراب و اولین ناطق قبل از دستور، طی سخنانی، با اشاره به فرار سیدن سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸

سپس در مورد تک تک افراد کابینه دکتربا هنر رای گیری بعمل آمد و در نتیجه ۲۱ وزیر از مجموع ۲۲ وزیر کابینه، با اکثریت قاطع آراء مورد تایید نمایندگان قرار گرفتند. و تنها حسین تاجگردان موفق به کسب رای اعتماد نشد.

در پایان این جلسه، دکتربا هنر به انتقادات وارده به چند وزیر پاسخ گفت. جلسه بعدی مجلس، که به ادامه بحث در مورد کابینه اختصاص داشت، روز ۲۶ مرداد تشکیل شد. در این جلسه حجت الاسلام خلخالی به عنوان مخالف مطالبی را مطرح کرد. سپس دکتربا هنر در موافقت با دولت سخن گفت و با اشاره به وجود خط سی صدر، که "بوسیله غصب تحمیل شده بود" و مانع از تصفیه ها در ارتش و سایر ارگانهای شد، سرعت ناچهار هواپیماها را ناسی از همین امر دانست و وی همچنین با تاکید بر وجود "محتکرین و سرمایه دارها، دزدان و چپاولگران" در اقتصاد کشور، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را یکی از کارهای اساسی و انقلابی دانست و هدف آنرا "گرفتن تجارت از دست بازاریان و سپردن آن به دست دولت" ذکر کرد. ناطق همچنین با اشاره به هماهنگی کامل موجود در ارگانهای مملکتی و "حاکم بودن خط امام در سطح مملکت"، خواستار "کار فعالانه مجلس و دولت در حل مشکلات سیاسی و اقتصادی مردم" شد.

آنرا شرح و امید برای محرومان و مستضعفان می نامیم".

وی با اشاره به تخریب دولت موقت و مشکلات بسیاری که این طریق و طریق مشابه دیگر برای اغلاب بوجود آمد اظهار داشت:

**دولت مصمم است بازگشتی خارجی را هلی کند**

**در انقلاب جهانی برای شهادت ما، سرمایه داران و غارتگران**

مبنی بر برد اعتبارنامه سید حسن پور میر غفاری نماینده هشتگرد قرائت شد و اعتبارنامه این نماینده به کمیسیون تحقیق ارجاع گشت. در این جلسه مواد ۲ تا ۷ لایحه بازسازی به تصویب رسید. جلسه بعدی مجلس در ۲۹ مرداد تشکیل شد.

مرداد و نقش امیر بالیس آمریکا در انجام آن، از جمله تاکید کرد:

"این کودتا را هزار سال برگشتن آمریکا و عملش به این کشور شد".

وی با تاکید بر این که "پیروان خط سازش"، پس از پیروزی انقلاب ایران، "در صدد تکرار همان کودتای ۲۸ مرداد بودند" گفت:

جلسه علنی بعدی مجلس روز ۲۷ مرداد تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه موحدی ساوجی نماینده مردم ساوه بود که طی سخنانی اظهار امیدواری کرد که قاطعیتی را که مردم دارا هستند، ارگانها و نهادهای مملکتی نیز به دست آورند. وی همچنین با تاکید بر این که مردم تاکنون در "جنگ با آمریکا و تجاوز یعنی ها و ضد انقلاب داخلی" و نیز در مبارزه با گروهکهای ضد انقلاب داخلی لیبیرالها، ساواکها و "افشای نقشه ها و توطئه های آمریکا پیش از و پیشرو" بوده اند، از همه "دست اندر کاران" خواست تا "در شعار و شعور و اندیشه و عمل و ابتکار از مردم عقب نمانند". ناطق همچنین از دولت و مجلس خواست، تا با هماهنگی کامل و ارتباط نزدیک با یکدیگر، به حل مشکلات بپردازند و خطاب به مجلس تاکید کرد که "مجلس باید در مقابل ضعف های دولت از موضع قاطع برخورد کند".

کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

اولین سخنران پیش از دستور این جلسه دکتر خلیلی نماینده مردم بافق طی سخنانی، با اشاره به اینکه از پس از پیروزی انقلاب تاکنون "کارهای بسیاری" برای مردم انجام شده است، گفت:

"ولی به جرات می توان گفت ظرف این مدت می شد برای مردم بیش از این کار کرد (تاکنون) چنانکه باید و شاید کارهای چشمگیر در انطباق با عظمت آرمانهای انقلاب و خواست و همت امت بپا خاسته و شهید پرور ما صورت نگرفته است".

"ما ملت ما مشت پولادین خود را برپوزه ملی گراها زد، برپوزه انسان نما - هائی که از فرحت ها و خلوص نیت این ملت سو استفاده کردند، وارد آوردند".

ناطق همچنین متذکر شد:

"استکبار جهانی، به سرگردگی آمریکا از همان آغاز سال ۴۲ تمام امکانات خود را برای سرکوب این ملت بپا خاسته به کار برده است".

وی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به موضوعی که دولت های امیر - پالیستی در قبال بمب گذاری ها و جنایات ضد انقلاب گفت:

"دنیای به اصطلاح حقوق بشر که در مقابل هر جنایتکار و تبهکاری اعلامیه های علیه جمهوری اسلامی ایران صادر می کند، موضع خود را در مقابل این ترورها و بمب گذاری ها در بیمارستان ها و پله ها و اماکن عمومی، با پناه دادن به دزدان، غارتگر، دزدان دریایی، دزدان هوایی، تروریستها و چپاولگران مشخص کرد".

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

وی آنگاه با اشاره به استقرار دولت جدید و وجود هماهنگی در بین تمامی ارگانهای مسئول مملکتی و برخورداری این ارگانها از حمایت و پشتیبانی مردم اظهار امیدواری کرد که این ارگانها پیش از گذشته "در خدمت مردم" درآیند. ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، ضمن تاکید بر اینکه "مسئله اصلی کشور جنگ است"، خواستار تجهیز تمام نیروها برای پیروزی در نبرد با تجاوزگران صدامی شد. وی همچنین خواستار "مبارزه های قاطع با گرانی، بیکاری، تورم، فساد و غارت" شد و در این ارتباط با اشاره به اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی گفت:

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

"ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه های از تعاونی های تولید و توزیع و مصرف در شهر و روستا، بهترین و انقلابی ترین وسیله برای ریشه کن کردن گرانی و تورم است، بدون تردید باید هر کس که مانع اجرای اصول قانون اساسی است به ملت معرفی شود، تا مردم بدانند مانع کار چیست و علت تاخیرها چیست".

وی در قسمت دیگری از سخنان گفت:

"با اجرای اصل ۴۹ (قانون اساسی می توان) سودجویان و سرمایه داران وابسته به خارج و ثروت اندوزان از طریق نامشروع را از خود نا امید و مستضعفان و توده محروم را که ستون اصلی انقلاب هستند، امیدوار ساخت".

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

ناطق همچنین خواستار شناساندن انقلاب ایران در عرصه جهانی به بهترین صورت ممکن شد. وی در بخش دیگری از سخنان در ارتباط با سیستم مالیاتی کشور، خواستار تنظیم این سیستم از طریق "وضع و دریافت مالیاتهای مستقیم تا ۹ درصد" شد. ناطق با اشاره به سودجویی ها و غارتگری های بی حساب عسدهای سرمایه دار و غارتگر، سؤال کرد:

"تا کی در حکومت اسلامی این وضع تداوم خواهد داشت؟"

بقیه در صفحه ۶

پیش از ورود در دستور، حجت الاسلام موسوی خوئیینی ها، نایب رئیس مجلس و رئیس جلسه طی سخنانی، با اشاره به سرعت ناچهار هواپیماها را ناسی از همین امر دانست و وی همچنین با تاکید بر وجود "محتکرین و سرمایه دارها، دزدان و چپاولگران" در اقتصاد کشور، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را یکی از کارهای اساسی و انقلابی دانست و هدف آنرا "گرفتن تجارت از دست بازاریان و سپردن آن به دست دولت" ذکر کرد. ناطق همچنین با اشاره به هماهنگی کامل موجود در ارگانهای مملکتی و "حاکم بودن خط امام در سطح مملکت"، خواستار "کار فعالانه مجلس و دولت در حل مشکلات سیاسی و اقتصادی مردم" شد.

**فریاد ما همیشه مرگ بر آمریکاست**

پیش از ورود در دستور، حجت الاسلام موسوی خوئیینی ها، نایب رئیس مجلس و رئیس جلسه طی سخنانی، با اشاره به سرعت ناچهار هواپیماها را ناسی از همین امر دانست و وی همچنین با تاکید بر وجود "محتکرین و سرمایه دارها، دزدان و چپاولگران" در اقتصاد کشور، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را یکی از کارهای اساسی و انقلابی دانست و هدف آنرا "گرفتن تجارت از دست بازاریان و سپردن آن به دست دولت" ذکر کرد. ناطق همچنین با اشاره به هماهنگی کامل موجود در ارگانهای مملکتی و "حاکم بودن خط امام در سطح مملکت"، خواستار "کار فعالانه مجلس و دولت در حل مشکلات سیاسی و اقتصادی مردم" شد.

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

حجت الاسلام خامنه ای، از موافقان کابینه، طی سخنان مشروحی در مورد بعضی از ورزای کابینه به انتقاداتی که به این ورز شده بود، پاسخ گفت.

**آمریکای بزرگترین دشمن انقلاب است**

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت. در این جلسات که دولت دکتربا هنر در آن رای اعتماد گرفت، اعتبارنامه تعداد دیگری از نمایندگان جدید و موادی از لایحه بازسازی به تصویب رسید.

### بمب نوترونی

### سلاح غارت امپریالیستی

افزودن روزی که نخستین بمب های اتمی آمریکا بر فراز هیروشیما و ناگازاکی منفجر شدو در دنبال خود چیزی جز تلی از ویرانه به جای نگذاشت ، غارتگران بین المللی را این اندیشه فراگرفت که در یک جنگ هسته ای وسیع ، که همه چیز در کشور خصم از جاندار و بیجان محو می شود و نه انسانی برای استثمار و ثروتی مادی برای تصاحب باقی می ماند ، پیروزی دیگر چه معنایی می تواند داشته باشد ؟

جنگ در سیاست امپریالیسم همیشه وسیله ای برای غارت ثروت خلقهای دیگر بوده است ، جنگ هسته ای چیزی را در خاک دشمن برای غارت بجانمی گذارد ، سیاستمداران غارتگر حل این معضل را به " دانشمندان " مزدور سرمایه واکدار کردند و آنان با " تلاش شبانه روزی " سلاحی بدست کارفرمایان خویش دادند ، که انسان ها را چون مگس نابود می کند ، اما شمره کار آنها را برای اشغالگران باقی می گذارد ، و این بمب نوترونی است .

امپریالیستهای آمریکا بی این سلاح را برای چه می خواهند ؟ اگر به حرفهای آنان گوش فرادهم می گویند که این سلاح " انساندوستانه " را برای مقابله با قدرت روزافزون نظامی شوروی و حفظ توازن نیروها ، که در دهسال اخیر به زیان کشور - های غربی تغییر کرده است ، در برابر موشک های میان برد شوروی تولید و ذخیره می کنند و از این طریق می خواهند برابری نظامی را در اروپا باز دیگر برقرار کنند ، اما حقیقت امر چیزی جز اینست نخست آنکه بر هم خوردن توازن نیروها در اروپا از جعلیات امپریالیستی است . خود مقامات آمریکا بارها اذعان کرده اند که بین قدرت نظامی دو بلوک سوسیالیستی و امپریالیستی تفاوت چندانی وجود ندارد .

**دوم** آنکه ، با تولید بمب نوترونی نمی توان این توازن را ، بغرض آنکه بزبان کشورهای غربی بر هم خورده باشد ، برقرار نمود ، زیرا کشورهای سوسیالیستی قادرند در ظرف مدت کوتاهی انحصار تولید بمب نوترونی را از دست آمریکا بگیرند .

بنابر این دلیل اصرار حکومت ریگان را در تولید بمب نوترونی ، علیرغم اعتراضات وسیع در سراسر جهان ، باید در جای دیگر جستجو نمود . بمب نوترونی بر حسب ویژگی کاربرد خود ، بعنوان یک سلاح تعرضی ، کشتار دسته جمعی ، نابودگر انسانها و نگاهدارنده و تروتهای مادی ، بهترین سلاح غارت امپریالیستی است .

اخباری که امروز از سراسر جهان می رسد ، نشان می دهد که بمب نوترونی را امپریالیستهای آمریکا تنها برای استعمال در صحنه های جنگ اروپا ناساخته اند ، هر جا که پایگاه های آمریکا وجود دارند ، بمب های نوترونی نیز در آنها مستقر خواهند شد . مقامات آمریکا بی صراحتی می گویند که در صورت افزایش تنش در خاور میانه و خلیج فارس از بمب نوترونی استفاده خواهند نمود انتقال کلاهکهای نوترونی از آمریکا به نقاطی از جهان بیش از ۶ ساعت بطول نخواهد انجامید . واضح است که در خاور میانه و خلیج فارس هدف اصلی بمباران های نوترونی توده های بیخاسته مردم خواهند بود . کشتن میلیونها انسان برای امپریالیسم آمریکا ، بشرط آنکه به میدانها و تاسیسات نفتی منطقه آسیب نرسد ، از آب خوردن آسانتر است ، مگر همین آمریکا کتیهها نبودند که بدون هیچ توجیه نظامی روی شهرهای بی دفاع زاین بمب اتمی ریختند ؟

به احتمال قوی بمبهای نوترونی ، پیش از آنکه در اروپا مستقر گردند ، در پایگاه های آمریکائی واقع در پیرامون مناطق " داغ " جهان جای داده خواهند شد .

روزنامه سوری " تشرين " نوشت که آمریکا قصد دارد کلاهکهای نوترونی خود را با خاور نزدیک منتقل کند . روزنامه های هند نگارنی خود را از استقرار بمب های نوترونی در دیگوگارسیا ابراز داشته اند .

**جمهوری دموکراتیک خلق کره** قصد آمریکارا در مورد انتقال کلاهکهای نوترونی به کره جنوبی محکوم کرده است .

احتمال می رود که آمریکا کتیهها در پایگاه های خود در فیلیپین نیز بمب نوترونی مستقر کنند . ستاد ارتش آمریکا بمب نوترونی را جز " سلاح - های جنگ " محلی " رده بندی کرده است ، که بر خلاف سایر سلاحهای هسته ای می توان آن را به ابتکار فرماندهان نواحی جنگی ، بدون کسب اجازه از فرماندهی کل بکاربرد ، چیزی که خطر استعمال آن را مراتب بیشتری کند .

# تفسیر وقایع مهم جهان

امپریالیسم و صهیونیسم گام بر می دارند و پیمانهای این مبارزه را نیز مردانه تحمل می کنند .  
مجله مشهور " آفریک آزی " چاپ پاریس نوشت که نقشه قتل قذافی بدستور ریگان از سوی رهبر شعبه عملیات سری " سیا " شخصاً آماده شده و بصورت ریگان رسیده است . سازمان های امنیتی مصر و سودان نیز در اجرای این طرح شرکت دارند . نیوزویک مجله آمریکا نیز قبلاً چنین خبری را درج کرده بود . اینک ما شاهد برگ دیگری از توطئه های آمریکا بر ضد لیبی هستیم .

### مانور در نزدیکی سواحل لیبی

مانور ناوگان ششم آمریکا در سواحل لیبی را تنها در چارچوب توطئه های وسیعی که امپریالیسم بر ضد رژیم انقلابی لیبی تهیه می کند ، می توان ارزیابی نمود . جنبه تحریراتی میزبان مانور دریایی از قبل معلوم است . آمریکا کتیهها بدنال اخراج نمایندگان سیاسی لیبی از ایالات متحده ، توطئه برای قتل قذافی و وعده کمک به دولت های همسایه لیبی ، که در ضد درنگون کردن رژیم قذافی " باشند ، فشار خود را بر لیبی بعنوان یکی از سر سخت ترین کشورهای ضد امپریالیستی روز به روز زیادتر کرده اند . از یک سو سادات و از سوی دیگر نمیری لیبی را به مداخله مسلحانه تهدید نمودند . سایر دولتهای دست نشانده آمریکا در جهان عرب و آفریقا نیز در سمت منافع امپریالیسم آمریکا بر لیبی فشار وارد می کنند ، تا حدی که عربستان سعودی رابطه سیاسی خود را با لیبی قطع نمود . مانور ناوگان ششم آمریکا در سواحل لیبی ادامه این سیاست امپریالیستی است . در جریان این مانور هشت هواپیما ی آمریکا ، که از ناو هواپیمابر " تیمیتس " برخاسته بودند ، به حرم دریایی لیبی نفوذ کردند و دو هواپیمای لیبی را در این منطقه شش رنگون کردند . بدنال این اقدام راهزانه و پیش ساخته ، مقامات آمریکا بی ادعا کردند که هواپیماهای لیبیایی در منطقه بهای بین المللی ( که حدود آن را نیز بمیل خودشان تعیین می کنند ) به هواپیماهای آمریکا حمله کرده اند و وزیر دفاع آمریکا بهرجز خوانی آغاز نمود که آمریکا قصد دارد لیبی را تنبیه کند ، زیرا " عقب نشینی آمریکا در چنین موقعیتی لیبی را به ادامه اقدامات تجاوزگاران تشریف قبول خواهد کرد " .

حمله وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان ، سرنگون کردن هواپیماهای لیبیایی در آبهای ساحلی لیبی ، توسعه پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه همه و همه حلقه های زنجیر واحدی هستند که امپریالیسم آمریکا می خواهد به زور بر گردن خلقهای منطقه بیفکند . توطئه " ربودن ناوچه تیزرین نیز یکی دیگر از این حلقه ها است .

### حکومت شناور بختیار

دزدان دریایی سلطنت طلبی که ناوچه نیریزین را در آبهای ساحلی اسپانیا با کمک و همکاری سرویس های جاسوسی آمریکا ، انگلستان ، فرانسه ، اسرائیل و اسپانیا دزدیدند ، بلافاصله اعلام داشتند که این ناوچه مقر حکومت شاهنشاهی ایران در تبعید خواهد بود . بهرام آریانا ارتشید شاه ملعون که بحماقت و دلفک بازی شهرت دارد و پوله یلده از غربال جاسوسی آلمان هیتلری ، انگلستان و آمریکا گذشته است ، طی بیانی به حبیب الهی ، کشیف ترین چهره در میان امیران نیروی دریایی شاهنشاهی ، که با همدستی گروهی مزدور و خود فروخته ناوچه را تصرف کرده بودند ، این " پیروزی چشمگیر " را به ارتش شاهنشاهی تبریک گفت . فردای آنروز رادیوی بختیار در یک اعلامیه " دولتی " به آفسران و نظامیان خارج از کشور ابلاغ کرد که بلافاصله خودشان را به دفتر ارتش آریانا در پاریس معرفی کنند . حکومت شناور تشکیل شده بود ، ارتش " آزادیبخش " به فرماندهی آریانا بسج می شد ، تابا بندان ایران را " آزاد " کنند . و امام در پاسخ تمام این خیمه شب بازیها این جمله پر مضمون را گفت : اگر می توانستید بیا تید چرا رفتید ؟!

بررسی که برای ما و تمام هم میهنانمان باقی می ماند اینست : جای سازمان مجاهدین خلق " در این ارتش " آزادیبخش " کجاست ؟ آیا رادیوی بختیار راست می گوید که مسعود رجوی پی برده است که همکاری با بنی صدر دیگر ممکن نیست و " سازمان مجاهدین خلق " باید مقام " شایسته " خود را در صفوف " میهن پرستان " واقعی احراز کند ؟

همکاری بین مسعود رجوی و حکومت شناور بختیار تا کجا پیش رفته است ؟ آیا اعضای ساده و هواداران " سازمان مجاهدین خلق " هنوز هم خیانت رهبری خودتربید دارند ؟ آیا هنوز هم موقع آن نرسیده است که دست رده سینه رجوی ها بگذارند و به آغوش انقلاب باز گردند ؟

که سادات می خواهند فاسانه " خطر کمونیسم " را که ساخته دست امپریالیست ها است ، به خود آنان قالب کنند و به این بهانه از ارباب گذشتی به سود خود بگیرد و ابروی از دست رفته را ترمیم کند . سادات برای آنکه خیانت آشکار خود را به آلمان اعراب پرده پوشی کند و خود را مدافع منافع خلق فلسطین نشان دهد ، از ریگان " دعوت " می کند که برای جلوگیری از " خطر کمونیسم " و جدا کردن خلقهای عرب از اتحاد شوروی توجه بیشتری به حل مسئله فلسطین ابراز دارد . در اینجا ست که ارباب صراحتاً به او پاسخی می دهد که دولت آمریکا سازمان آزادیبخش فلسطین را یک " سازمان تروریستی " می داند و هیچگونه گذشتی در برابر آن نخواهد کرد . به سادات می فهماندند که او فقط در یک سمت می تواند منشاء عمل باشد و آن سمت روبرویی با جنبشهای انقلابی منطقه ، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین است و در خارج از این چارچوب حق فصولی ندارد .

مسئله فلسطین را نمی توان با دست امپریالیسم آمریکا حل کرد ، پیشنهاد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره تشکیل یک جنبه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم نخستین گام مهمی است که از سوی میهن مادر را ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی برداشته می شود . بدیهی است که این جنبه تنها در صورتی می تواند به هدف خود نائل گردد که واقعیات جهان موجود را در تمام ابعاد آن بپذیرد و بخصوص تمام اقدامات خود را برهبری سازمان آزادیبخش فلسطین ، که یگانه نماینده قانونی خلق فلسطین است ، هماهنگ سازد . تا کنون خروارها حرف در پشتبانی از خلق فلسطین از سوی رهبران کشورهای عرب و غیر عرب گفته شده است ، اما خلق فلسطین همچنان آواره و مظلوم و هدف خونین ترین تهاجمات امپریالیستی باقیمانده است . امیدواریم که خلق های منطقه بتوانند بر پایه پیشنهاد ایران مبنی بر " مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم " جنبه واحدی تشکیل دهند و با استفاده از امکانات عینی که جهان امروز در دسترس آنان می گذارد ، به مصیبت سی و چندساله خلق فلسطین پایان دهند . راه پیر هزی بر امپریالیسم اتحاد خلق - ها است .

### گامهای جسورانه لیبی

خبرگزاری ها اطلاع دادند که رهبران سه کشوری لیبی ، آلبانی و یمن دمکراتیک در عدن پیمان اتحادی در میان خود منعقد کرده اند . هدف از انعقاد این پیمان ، که " پیمان دوستی و همکاری " نامیده می شود ، تشریک مساعی و همکاری این سه کشور در قلمرو اقتصادی و سیاسی است . رهبران سه کشور : علی ناصر محمد ، معمر قذافی و هایلمار یام قبل از امضای این پیمان ، درباره توسعه همکاری های اقتصادی و سیاسی بین کشورهایشان به توافق رسیده بودند . امضای این پیمان به توافقهای آنها جنبه رسمی می دهد . هر یک از این کشورها میتوانند کمبودهای یکدیگر را در قلمرو اقتصادی تکمیل کنند و ترقی هر سه کشور را با آهنگی بسر بترت مین کنند . بدیهی است که همسنگی و دوستی این سه کشور تنها منحصر به همکاریهای اقتصادی نخواهد بود ، بلکه دفاع مشترک از این دستاوردهای اقتصادی در برابر تهاجم نو - استعماری ( خواه در شکل اقتصادی و خواه در شکل نظامی انجام گیرد ) نیز جز وظایف هر یک از شرکت کنندگان در این پیمان خواهد بود .

انعقاد این پیمان ، در حالی که امپریالیسم و صهیونیسم در تمام منطقه اقدامات دسیسه گرانه خودتوسعه داده اند ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است . لیبی با این گام جسورانه ضریب دیگری بر پیکار امپریالیسم خونخوار وارد کرده است . انعقاد پیمان دوستی و همکاری با دو کشوری که در آنها انقلابیون مارکسیست زمام امور حکومت را در دست دارند ، برای کشوری که از هر سو در محاصره نیروهای ضد انقلابی قرار دارد و آنرا به دست نشانده " مسکوتهم می کند ، مستلزم جسارت انقلابی بزرگی است ، که هر کس آنرا ندارد . خشم کینه توزانه امپریالیست های آمریکایی و صهیونیست های اسرائیلی و هم پیمانان خائنشان مانند سادات و نمیری از رهبری انقلابی لیبی و توطئه های بی دریگی که برای قتل سرهنگ معمر قذافی بدست عمال " سیا " ریخته میشود ، گواه بر آنست که رهبران لیبی در مسیر درست مبارزه برضد

اقدام جنایتکارانه امپریالیست های آمریکا در تولید و ذخیره بمبهای نوترونی با اعتراض واقعا جهانی روبرو شده است . در میان این موج خشم آلودا اعتراض توده ها ، اعلامیه - های تأیید امیز رهبران یکن در پشتبانی از تصمیم ریگان واقعا نفرت انگیز و شرم آور است . پشتبانی یکن از تولید بمب نوترونی ، که باید آن را در وهله نخست سلاح غارت امپریالیستی دانست ، نشان می دهد که رهبری کنونی چین تا چه حد از خلقهای جهان فاصله گرفته است . خصومت با اتحاد شوروی و دنیای سوسیالیسم رهبران یکن را به دستیار امپریالیسم و دشمن خلقهای ستم دیده مبدل ساخته است ، و این راهی است که هر کس بدان گام نهد ، ناگزیر از اردوگاه امپریالیسم سربیزون خواهد آورد . سادات و همدستانش نیز از همانجا آغاز کردند و به اینجا رسیدند که استقلال ، شرف و آزادی خلق بزرگ مصر را در پای امپریالیسم و صهیونیسم قربانی می کنند .

### چوب حراج سادات بریکرمصر

صابر ، شاعر بزرگ آذربایجان ، که در دوران انقلاب مشروطه ایران تیغ برای زبانش بر فرق ارتجاع ایران پی در پی زخم کاری فرود می آورد در یکی از اشعار شه محمد علی شاه راقالی مجسم می کند که ایران را در طبق اخلاص نهاده فریاد می زند : " آئی الان مملکت ری ساتیرام " . محمد علی شاه برای فروش ایران ( مملکت ری ) در جستجوی مشتری بود ، گوئی روح جهمی محمد علی شاه در کالبد سادات حلول کرده است . سادات خود به پای خود برای فروش مصر بهواشنگتن می رود ، هنگامیکه خبرنگار ساندی تا میز سادات می پرسد : " باریگان بر سر چه موضوعاتی گفتگو کردند ؟ " این دلال فرومایه پاسخ می دهد :

" از ریگان دعوت کردم بیدرتنگ و بدون اتلاف وقت برداشتم حضور نظامی خود در مصر و منطقه بیافزاید " .

آمریکائیها بدون " دعوت " سادات نیز پس از آنکه موج انقلاب در افغانستان و ایران برخاست و مواضع غارتگران امپریالیسم را خطر افکند ، " برداشتم حضور نظامی خود " در منطقه افزوده اند . هم اکنون امپریالیسم آمریکا بزرگترین نیروی دریایی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس متمرکز نموده است . آمریکا یک بودجه ۷ میلیارد دلاری برای ایجاد پایگاه های جدید و توسعه پایگاه های موجود ، بویژه در منطقه خاور نزدیک ، اقیانوس هند و خلیج فارس تخصیص داده است ، که پایگاه های مصر ، عمان ، کنیا ، سومالی و دیگوگارسیا از آن جمله اند ، با این همه " دعوت " سادات معنای خاصی بخود می گیرد و نشان میدهد که خائن خلق و روسپیان سیاسی چگونه سادگی و آسانی با استقلال و آزادی کشورشان معامله میکنند تا چند صباحی به عمر ننکین خویش ادامه دهند .

### سادات به ریگان درس " آتی کمونیسم " می دهد

یک ضرب المثل خلقی می گوید : وای به وقتی که مرده بر خیزد و مرده شوی را غسل دهد . تذکر " خطر کمونیسم " از سوی سادات به ریگان چیزی جز همین برخاستن مرده و شستن مرده - شوی نیست . نیوزویک مجله معروف آمریکا بی ، منظره " درس سادات به ریگان را چنین توصیف می کند :

" سادات برخاست ، پای نقشه رفت و در یک سخنرانی ۳۰ دقیقه ای برای ریگان شرح داد که چگونه اتحاد شوروی و دست نشانده اش در لیبی ، آلبانی ، یمن جنوبی ، افغانستان مناطق نفت خیز خاور میانه را تهدید می کنند .

وی همچنین درباره پیامدهای آشوب ایران و امکان بهره برداری نیروهای چپ به ریگان هشدار داد " . ( نیوزویک شماره ۱۷ اردیبهشت ۱۹۸۱ )  
سادات در دنباله این درس ، ریگان را به تقویت حضور نظامی آمریکا در خاور نزدیک و میانه دعوت می کند و از وی می خواهد که منطقه را از " خطر کمونیسم " رهایی دهد !  
تا اینجا بین میهمان و میزبان وحدت نظر کامل حکمفرماست . اختلاف از آنجا آغاز می گردد

# مسئله جنگ و صلح و دوران معاصر

نویسنده: دکتر حسن کرشنین

در دوران معاصر، همزمان، دو سیستم احتمالی متضاد وجود دارند. یکی از این سیستم‌ها اجتماعی یعنی سیستم سرمایه‌داری منع جنگ و دیگری یعنی سیستم سوسیالیسم منع صلح است. مسئله اصلی امرار جنگ در مبارزه میان دو سیستم مسئله مبارزه میان نیروهای جنگ طلب و نیروهای خواستار قطع جنگ میان خلق‌ها را مهمترین عناصر محتوای دوران معاصر می‌باشد.

در دوران اخیر فعالیت مخالفان تشنج - زدایی و محدود کردن تسلیحات شدت یافته و در اوضاع بین‌المللی تریخی‌های پیدا آمده که علت آن را در سیاست‌های محافل جنگ طلب و تجاوز کار امپریالیستی باید جستجو کرد. این محافل که ساینده‌گان و سخنگویان انحصارات امپریالیستی و محتدم‌های نظامی - صنعتی هستند، دشمنان سوسیالیسم، انقلاب‌های مردمی و جنبش‌های رهایی بخش خلق‌ها هستند و تلاش دارند به بهره‌کشی خود از منابع طبیعی ملت‌ها دست‌نرخ نوده. هادامه دهند و راه مسافه - تسلیحاتی بود - های کلان به حث برسند. در کشورهای اروپای غربی، ایالات متحد آمریکا و ژاپن در توجیه سیاست آزموده "انحصارات امپریالیستی برای سیاست بخشیدن به مسافه - تسلیحاتی افسانه" "حطس

و یک شوه کاملاً ناکینکی بود. اما مبارزه کشورهای دارای نظام سوسیالیستی با تار صلح جنبه اساسی - تزئینی دارد و خاطر همین مسئله امیر و صلح پایدار است.

کنگره‌های ۲۴ و ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی که برنامه صلح و ادامه مبارزه با خطر صلح و همکاری بین‌المللی و خاطر آزادی و استقلال خلق‌ها در اسپانیا و سرخه شده و مورد قبول قرار گرفت کوا و مرده حث سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی است. در ماه مه ۱۹۸۰ شرکت کنندگان در مجلس سواره کمیته سیاسی و مشورتنی کشور - های عضو همان و رجو یک استکار صلح جویانه - حد پدارت داده‌اند. در سیتا امسال ۱۹۸۰ در سی و پنجمین اجلاس هیئت جمع عمومی پارلمان ملل متحد، اتحاد شوروی بگرشده سیاست صلح جویانه - حدید و موثر مطرح کرد. همه این پیشنهادها - جامع و سازنده بر راستای سالم سازی و سوسیالی جهان، گسترش روندتس زدایی سیاسی و نظامی و مهار کردن مسافه - تسلیحاتی قرار دارند. پیشنهادها اینکه در نسبت و متنس کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را حث لئوسند بر رسیف مطرح کردند هدف حث حلقه‌ها را خطر جنگ

قدرت نظامی است که می‌تواند بی‌درنگ و بطور موثر آریکار بند دویم از انتقام عادلانه رهبران سیاسی کشورهای سرمایه‌داری را از این که بتوانند از جنگ بعنوان وسیله‌ای جهت پیشبرد مقاصد سیاسی خود استفاده کنند، باز می‌دارد. در حال حاضر نیروهای مسلح اتحاد شوروی دارای چنان آمادگی و توانایی رزمی هستند که می‌توانند بطور موثر در برابر هر گونه تجاوزی از غرب و از شرق و در طیف وسیعی از درگیری‌های مسلحانه در مناطق مختلف جهان و به مقیاس جهانی عمل کرده تجاوز را خنثی نمایند.

در سازماندهی نیروهای مسلح اتحاد شوروی بر پایه امکانات اقتصادی کشور این اصل بطور اکید اعمال می‌شود که این نیروها از لحاظ کمی و کیفی مناسب با میزان خطری باشند که اتحاد شوروی و متفقین آن را تهدید می‌کند. در سازماندهی نیرو - های مسلح اتحاد شوروی این اصل در نظر گرفته شده است که ظرفیت و توان رزمی آنها باز دارنده تجاوز باشد.

البته برای آن که قدرت نظامی با میزان خطر جنگ متناسب باشد و به عامل باز دارنده تجاوز تبدیل شود، اتحاد شوروی موظف بود بر تری نظامی - تکنیکی دول امپریالیستی تجاوز کار را بر طرف کند و به برابری نظامی - استراتژیکی دست یابد. این امر یکی از مهمترین وظایفی بود که سر نوشت سوسیالیسم به آن بستگی داشت و اتحاد شوروی این وظیفه را با موفقیت انجام داد. دستپایی به برابری نظامی - استراتژیکی با امپریالیسم یکی از پیروزیهایی تاریخی سوسیالیسم است. این پیروزی مسئله مصونیت و دفاع از میهن سوسیالیستی را بطور موفقیت آمیز حل کرده است. توازن نظامی - استراتژیکی میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، میان پیمان ورشو و پیمان ناتو، عامل حفظ و پایداری صلح در سراسر جهان است. در دوران سلطه جهانی امپریالیسم، نظام روابط بین‌المللی بر پایه قدرت نظامی، مسابقه تسلیحاتی و رقابت‌های نظامی مبتنی بود. بسیاری از مناقشات منطقه‌ای و جهانی به کمک نیروی نظامی حل و فصل می‌شد. در شرایط برابری نظامی و استراتژیکی میان کشورهای سرمایه‌داری صلح بر قرار می‌شد، اما نه صلح دیرپا و پایدار. صلح در شرایط مسابقه تسلیحاتی و رقابت‌های نظامی نمی‌توانست

## دورانی که امپریالیسم تصمیم می‌گرفت جنگ باشد یا نباشد سپری شده است.

نظامی شوروی را اشاعه داده دامن می‌رند. با اشاعه این اسامه واقعیت سیاست صلح جویانه و سیاست نظامی اتحاد شوروی را تحریف می‌کنند و اتحاد شوروی را بعنوان یک نیروی تجاوزگر جلوه می‌دهند.

زیرا چون رشم کمیته شورای ستاد نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در گزارش خود زیر عنوان "برنامه نظامی ایالات متحده آمریکا برای سال مالی ۱۹۸۱" ضمن تحلیل اوضاع نظامی - سیاسی اعلام کرد: منع بی‌تانی باغی از طرفیت و گزارش روز افزون برای عویت قدرت نظامی در اتحاد شوروی است. "هیگ وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا فعالیت خود را در زمینه روابط با اتحاد شوروی با کار از تبلیغاتی خصمانه آغاز نمود. و بر مامور خارجه آمریکا مبارزه رهایی بخش ز حتمکنان در کشورهای ربه نوسفه و همسنگی و کمک‌های بی‌نا سوسیالیستی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به این سازوات را مظاهر ترفیس بین‌المللی" اعلام می‌کند.

همان نظریات و اعلامیه‌ها را پایداری گرای واقرا و دروغ است. سوسیالیسم بر حث ماهیت اجتماعی خود وسیع علیات. مبارزه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی صلح امری است فاصومند. در حوامع سوسیالیستی هیچ طبقه و فتر اجتماعی ناکروه خاصی وجود ندارد که در تدارک و به راه انداختن جنگ اسفالگرانه و غیر عادلانه دنیقه باید. خلق‌های آزادی می‌توانند بگر خلق‌ها را مورد بهره‌کشی قرار دهند و بدین منظور جنگ را وسیله قرار دهند. درست است که سوسیالیسم با جنگ آشناس اما کشورهای سوسیالیستی همواره بطور ناگزیر به جنگ ش در داده‌اند. این جنگ‌ها وسیله مبارزه - های تجاوزگرانه آنها محمل شده است. کشورهای سوسیالیستی تنها جنگ‌های عادلانه کرده‌اند. سیاست صلح جویانه سوسیالیسم، فاصومند - پیگیر و واقع گراست. این سیاست هیچگاه تحت تاثیر ملاحظات موضعی قرار نگرفته است. در تاریخ صورت بندی‌های استثمارگر برخی از کشورها در مراحل معینی از سیر تکامل خود به منظور جلوگیری از جنگی که در شرایطی نامسا عد از نظر اوضاع خارجی و یا درونی آنها را تهدید می‌کرده به مبارزه برمی‌خاستند. اما مانیکه شرایط مساعدی برای شان پیش می‌آمد خود این کشورها اغلب در برافروختن آتش جنگ پیشدستی می‌کردند. مبارزه با خاطر صلح در نزد این دول جنبه تصادفی داشت

## سوسیالیسم تنها با جنگ غیر عادلانه مخالف است از این رو سیاست صلح سوسیالیسم قانونمند است

بسیاردهای آن برای همکاری‌های دراز مدت و همه جانبه با نیروهای صلح دوست در دوران پس از جنگ بازتاب یافت. چنانکه می‌دانیم هر یک از کشورهای سوسیالیستی در زمینه سیاست خارجی وظیفه مهمی را در رابطه با مبارزه با خطر صلح و امنیت خلق‌ها انجام می‌دهند. از سن‌های کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه نیروهای مسلح اتحاد شوروی در جلوگیری از جنگ هسته‌ای جهانی و جنگ‌های منطقه‌ای امپریالیسم نقش مهمی را ایفاء می‌کنند.

با پیروزی انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثریت برای نخستین بار در تاریخ بشریت ارتشی بوجود آمده که در راه صلح، جلوگیری از وقوع جنگ و از بین بردن نیروهای جنگ طلب مبارزه می‌کنند. از آن تاریخ تاکنون نیروهای مسلح اتحاد شوروی همواره بعنوان وسیله‌ای برای مهار کردن نیروهای تجاوز - کار امپریالیستی و بعنوان نیروی صلح عمل کرده‌اند. ارتش اتحاد شوروی و نیقه واقعی عقبس ساختن تلاش‌های دول امپریالیستی برای تجاوز و سوء قصد به دساوردهای سوسیالیسم و استقلال و امنیت حلقه‌هاست. یکی از خدمات برجسته ارتش شوروی آن است که سیاست همزیستی مسالمت آمیز عملا بر امپریالیسم تحمیل گردید و امکان داد که برای سازندگی سوسیالیسم رشد یافته شرایط صلح نامین شود. در کاین مطلب که اتحاد شوروی دارای چنان

سوخوی این کشور گفت: "استعمار آمریکا دیگر هیچ جوابی برای این تجاوز ندارد و این تجاوز را شدیداً محکوم میکنیم".

رئیس مجلس تاکید کرد: "امپریالیسم غرب توطئه وسیعی را برای درهم شکستن بنیان اسلامی در منطقه شروع کرده است".

رئیس مجلس در قسمت دیگری از سخنان خود، با اشاره به اعطای پناهنده‌گی دولت فرانسه به مشتی "دزد دریایی" که ناوچه ایران را به سرقت برده‌اند، خطاب به این دولت گفت: "من به دولت فرانسه خطا می‌کنم که به عواقب اینگونه نیرنگ‌های سیاسی توجه داشته باشد".

در این جلسه اعتبار نامه‌های آقایان سید نورالدین رحیمی نماینده ملای، محمد حسن نبوی نماینده بوشهر، غلامحسین نادری نماینده نجف آباد و سید آل غفور نماینده شوشتر، طرح و تصویب شد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد مواد لایحه بازسازی ادامه یافت. در این جلسه مواد دیگری از این لایحه به تصویب نمایندگان رسید.

نیازهای اکثریت مستضعف مردم" شد.

تجاوز به لیبی محکوم است

در پایان سخنان پیش از دستور این جلسه، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس طی سخنانی، با اشاره به تجاوز جنگنده‌های آمریگایی به فضای هوایی لیبی و سرنگون کردن ۲ هواپیمای

مجلس ...

بقیه از صفحه ۴

وی در همین ارتباط تاکید کرد: "انقلاب همچنان که اصام فرموده اند متعلق به زاعه نشینان و کوخ نشینان است و در آن هیچ فتسودال و سرمایه دار طاغوتی غارتگری را راه نیست".

ناطق همچنین خواستار عمل به

# مردم سراسر جهان تصمیم دولت ریگان را درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی

## محکوم می کنند

تصمیم دولت رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا در روز ششم اوت ۱۹۸۱ (۱۵ مرداد ۶۰) روزی بود قربانیان فاجعه هیروشیما مبنی بر تولید وسیع سلاح نوترونی - که انسان ها را می کشد و ثروت هایشان را برای سوداگران مرگ آمریکا دست نخورد باقی می گذارد - خشم و نفرت مردم سراسر جهان را در سطوح مختلف برانگیخت.

مردم جهان به تجربه دریافتند که امپریالیسم های آمریکا بعنوان نخستین آزمایشگر سلاح مرگبار اتمی در جهان (هیروشیما و ناگازاکی) با هم مبتکر تولید سلاح ضد انسانی و وحشتناک دیگری شده و بدین سان همه بشریت را با خطر ایستادگی در برابر جنایات و تعالیات برتری طلبانه امپریالیسم به مبارزه طلبیده است.

این اقدام تبهکارانه مانند همیشه بی حواب نمانده همه بشریت ترقیبخواه را در صف واحدی برای انجام زدن ددمنشی امپریالیسم آمریکا بسیج کرده است. اعتراض مطبوعات، شخصیت ها و دولت های مختلف المسلک جهان و محافل ملی و مذهبی روند بسیج جهانی بر ضد اقدام خطرناک و ضد انسانی محافل جنگ طلب آمریکا را به روشنی در خود منعکس می سازد.

"تاس" تصمیم ریگان را گامی خواند، که "جهان را به فاجعه ای هستم ای نزدیک ترمی سازد". گزارش "تاس" از "واشنگتن حاکمی است، که دولت ایالات متحده پیش نهاد شوروی را درباره توافق پیرامون خود داری متقابل از تولید چنین سلاح ها نادیده هم مسئولیت دوری دیگر از مسابقه تسلیحاتی - هسته ای را بدوش خود گرفته است."

به نوشته "تاس": "هدف از اظهارات یکی از سخنگویان "کاخ سفید"، مبنی بر آنکه نقشه فوری برای استقرار بمب های نوترونی بیرون از خاک آمریکا موجود نیست، تنها تسکین افکار عمومی است. استراتژی ایالات متحده قصد دارند نخست به ذخیره جنگ افزار های نوترونی بپردازند و سپس استقرار آنها را در اروپای غربی بر متحده خود تحمیل کنند. به عقیده کارشناسان آمریکایی، اروپا تنها منطقه ایست، که جنگ افزار های نوترونی در آن میتواند بکار برده شود."

"تاس" می افزاید: "در چنین شرایطی اتحاد شوروی نمی تواند ناظر بی طرف بماند و مجبور است که به این مبارزه طلبی همخوان با منافع امنیتی خود و هم پیمانان خویش پاسخ گوید."

از سوی دیگر، شرکت کنندگان کنفرانس بین المللی برای منع جنگ - افزارهای هسته ای در ناگازاکی تلگرامی دکراتیک خلق یمن "تدوین و اجرای برنامه های اقتصادی دراز مدت را در سالهای ۷۰ بر این اصل استوار ساختند، که برای بهبود گام بگام شرایط زندگی سوسیالیستی تحول اجتماعی، ایجاد پایه مادی - فنی مدرن در بخش های دولتی و تعاونی اقتصاد اهمیت بنیادی دارد. در چارچوب کوشش برای صنعتی کردن کشور در درجه نخست، رشته های اقتصادی پیش رو را توسعه دادند، که مانند صنایع نساجی و غذایی از مواد خام خانگی استفاده می کنند در گستره کشاورزی، دولت به ویژه سرمایه گذاری های خود را مصرف گسترش سطح کشت و ایجاد گستره های دولتی ساخت. در برنامه پنج ساله اول (۷۶ - ۱۹۷۴) مجموع سرمایه گذاری های دولت بالغ بر ۱۹۵ میلیون دینار (۱ دینار = ۳

به پوزیدنت ریگان فرستادند و از او خواستند که درباره تصمیم مبنی بر تولید جنگ افزارهای نوترونی تجدید نظر کند. در پیام این کنفرانس گفته می شود:

"این تصمیم دولت آمریکا شرکت کنندگان کنفرانس را تکان داد. " در بریتانیا مایکل فوت، رهبر "حزب کارگر" تصمیم آمریکا را درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی محکوم ساخت. در برابر سفارت ایالات متحده در لاهه تظاهرات بزرگی علیه تصمیم پوزیدنت ریگان درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی برگزار شد. "نویه اوشتا بروکر تسایونگ" روزنامه آلمان غربی، در این باره یادآور می گردد که توفانی، که سه سال پیش در این زمینه در کشورهای اروپای باختری برخاست، بار دیگر سر بلند می کند. سلاح های نوترونی به نابودی موجودات زنده می انجامد، ولی به تجهیزات و ساختمان ها آسیبی وارد نمی آورد."

دولت ترور درباره این تصمیم، که امنیت اروپا را مورد تهدید قرار می دهد، به دولت آمریکا اعتراض کرده است.

در ژاپن بازماندگان بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی از دولت خود خواستند که مراتب اعتراض آنها را به دولت آمریکا اعلام دارد. دانشجویان و استادان دانشگاه برکلی (کالیفرنیا)، که در آن بمب نوترونی اختراع شد، علیه تصمیم ریگان اعتراض کردند. احزاب کمونیست نروژ و دانمارک خواستار تظاهرات گسترده علیه بمب نوترونی گشتند. نیویورک تایمز "به نقل از مقامات آمریکایی، معتقد است که بمب نوترونی در خاور میانه نیز بکار خواهد رفت."

"دیلی میرور" (بریتانیا) می نویسد: "ایالات متحده تصمیم به تولید سلاح های نوترونی گرفت، بدون آنکه با متحدان خود در "ناتو" مشورت کند." این روزنامه می افزاید: "بهریگان باید یادآور شد که با متحدان خود روبرو است و نه با کنترل کنندگان پروازهای هوایی." هانس ساتلر، رهبر جنبش صلح سوئیس، "تصمیم ریگان را وحشی - گری کاژوبوی وار" خواند. به گفته رومش چاندرا، شورای صلح تصمیم گرفته است یک هفته

تظاهرات علیه جنگ افزارهای نوترونی برگزار سازد، که آمریکا تولید آنرا اعلام کرده است.

کنفرانس مسیحیان برای صلح که هیرمان مذهبی ۸ کشور در آن فعال هستند، "واشنگتن" را به تسریع مسابقه تسلیحاتی، متهم ساخته است. اولاف پاللمه، نخست وزیر سابق سوئد گفت، که تصمیم ریگان خطر جنگ هسته ای را افزایش می بخشد.

کمیسیون های مورخارچی و دفاع سنای ایالتی در جلسه ویژه و مشترکی در روز ۳۰ مرداد ۶۰ به تصمیم ریگان درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی واگذارای پایگاه ها از سوی دولت ایالتی به آمریکا در سیسیل به منظور استقرار موشک های میان برد هسته ای، رسیدگی خواهد کرد. فراکسیون حزب کمونیست ایالتی در مجلس و سنای استارت تشکیل جلسه ویژه پارلمان برای بررسی این موضوع شده است.

در ایالات متحده آمریکا، پانصد سازمان علیه تصمیم ریگان درباره تولید کلاهک های نوترونی اعتراض کرده اند. این سازمان ها، که در کنگره خلق های ایالات متحده گرد آمده اند، در بیانیه ای اظهار داشتند:

"دولت را می در پیش گرفته است، که به جنگ سوم جهانی خواهد انجامید."

پتر گلو تزدبیر فدرال حزب سوسیال دمکرات، دولت را فراخواند تا هر چه زودتر مخالفت خود را با استقرار جنگ افزارهای نوترونی در خاک آلمان غربی ابراز دارد. به گفته گلو تزدبیر، بیشتر اعضای این حزب با او در این باره هم - عقیده اند.

در نیویورک تظاهرات وسیعی به عنوان اعتراض به این تصمیم برگزار گشت در بریتانیا، فرانکا لا توم، صدر سازمان "کارگران برای صلح"، خاطر نشان ساخت که از جنگ افزارهای نوترونی در اروپا استفاده خواهد شد و برخطر جنگ اتمی خواهد افزود.

شورای صلح اتریش، نیز در تلگرام اعتراضی خود به ریگان به نکته بالا اشاره می کند. دبیر اجرایی "شورای جهانی کلیساها" اقدام ریگان را "غیر انسانی" خواند.

شورای دولتی نیکاراگوئه تصمیم آمریکا را "تجاوز علیه بشریت" نامید. تودور ژوبوکوف، رهبر بلغارستان، و آلوارو کونینال، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال، تصمیم آمریکا را درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی شدت محکوم کردند. آنها در ملاقاتی دوستانه در شهر بلغاری وارنا اعلام داشتند که دولت ایالات متحده مسئولیت خطیری را در وخامت اوضاع بین المللی عهده می گیرد.



(نقل از اطلاعات - ۱۳۶۰/۵/۲۷)

در آلمان غربی سازمان های سوسیالیستی جوانان تصمیم دارند که به گردآوری مضاء به هواداری از منع بمب نوترونی دست بزنند.

نیکلای چاوشسکو، دبیر کل حزب کمونیست و رئیس جمهوری سوسیالیستی رومانی، تاکید کرد که باید قاطعانه به مخالفت با جنگ افزارهای نوترونی پرداخت. وی در این باره در گردهمایی به مناسبت "روز مطبوعات" در رومانی سخن گفت.

گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در بیانیه ای در شیکاگو اعلام داشت: "تنها سیستم سرمایه داری می تواند سلاحی تولید کند که انسانها را بکشد و اموال آنها را این نگهدارد."

ژان کولین، یکی از رهبران حزب کمونیست فرانسه، در مصاحبه ای با "اومانیته دیماناش" اخطار کرد که بمب نوترونی قرار است در اروپای غربی مستقر شود.

موریتوایسی، معاون دبیر کل "شورای سراسری ژاپن برای منع سلاح های اتمی و تیزرونی"، گفته است که سلاح های نوترونی در اختیار متحدان آمریکا، از جمله ژاپن قرار خواهد گرفت. تظاهرات بزرگی علیه تولید سلاح های مختلف آلمان فدرال، از جمله در دورتموند، اشتوتگارت، مونیخ، کیل، لوپک، و ماپنتز، برگزار شد. تظاهرات اشتوتگارت در برابر کنسولگری آمریکا صورت گرفت، شرکت کنندگان در تظاهرات در نامه ای به پوزیدنت ریگان خواستار شدند که "تولید غیر انسانی ترین سلاح امحای جمعی" پایان یابد.

در وین، روزنامه "آر بای پترتسا - یوتونگ" می نویسد که: پوزیدنت ریگان با تصمیم خود خنجر از پشت به متحدان خود زد.

خبرگزاری تیوی بی یادآور می شود که تصمیم دولت آمریکا حاکی از "انحطاط کامل سیستم سرمایه داری است، که برای مال اهمیتیت بمراتب بیشتر از حیات انسانها قائل است."

"کویت تایمز" ایالات متحده را فرامی خواند تا از قصد نابود کردن اتحاد شوروی دست بردارد، چه این توهمی بیش نیست."

مخالفت افکار عمومی جهان ریگان را به دفاع از تصمیم خود ادا داشت. وی برای توجیه این تصمیم با دیگر به خطر موهوم شوروی توسل جست و اتحاد شوروی را به باد ناسزا گرفت. ریگان بویژه از اعتراض مردم اروپای غربی ناراحت بود و تظاهرات آنها را کار اتحاد شوروی خواند.

## دومین برنامه پنج ساله اقتصادی یمن دموکراتیک گامی بزرگ در راه تحکیم روند انقلاب

صنعتی از ۵۵/۲ میلیون دینار به ۱۰۰/۲ میلیون دینار افزایش پیدا کند.

در برنامه پنج ساله جدید نیز توسعه اشکال مترقی تر مالکیت از اولویت برخوردار خواهد شد. برای نمونه، قرار است که سهم بخش دولتی در تولید فراورده کل اجتماعی از ۴۱/۶ درصد به ۴۹/۴ درصد و در تولید صنعتی از ۵۸/۹ درصد به ۶۲/۵ درصد افزایش یابد.

سمتگیری اقتصادی "حزب سوسیالیست یمن" در راستای بهره برداری هر چه بهتر از توان اقتصادی موجود، با سنجوی ضرورت توسعه هر چه بیشتر اقتصاد یمن دموکراتیک است و بی گمان، روند انقلابی رانیز در این کشور تحکیم بیشتر خواهد بخشید.

این برنامه، یکی از مهم ترین شرایط تامین پیوستگی تولید تضمین خواهد شد.

مهم ترین هدف سرمایه گذاری ۷ میلیون دینار در بخش کشاورزی بهره برداری بهتر از زمین زیر کشت و تقویت پایه مادی - فنی واحدهای کشاورزی است. فزون بر این، سیستم آبیاری در ۸۲۵۰۰ هکتار زمین بازسازی خواهد شد.

با اجرای دومین برنامه پنج ساله تغییر یافته، فراورده کل اجتماعی یمن دموکراتیک از ۲۱۴ میلیون دینار در سال ۱۹۸۰ به ۵۱۳ میلیون دینار در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید. به سخن دیگر، این رقم هر ساله بطور میانگین ۱۰/۳ درصد افزایش خواهد یافت. در همین سالها قرار است که درآمد ملی از ۱۶۶/۶ میلیون دینار به ۲۷۷/۳ میلیون دینار و تولید

بخش تولیدی اقتصاد خواهد بود. سه چهارم پروژه های مهم در صنایع تبدیلی بازسازی و نوسازی کارخانه های موجود را در بر خواهد گرفت. تنها ساختمان کارخانه سیمان جدیدی با گنجایش سالیانه ۲۵۰ هزار تن عنصر ساختاری نوینی در اقتصاد "جمهوری دموکراتیک خلق یمن" خواهد بود. از جمله فعالیت های مهم دولت در صنعت می توان از بازسازی یک کارخانه پارچه بافی، نوسازی پالایشگاه نفت، گسترش ظرفیت تولید و تبدیل پلاستیک و احداث دو کارخانه بزرگ نان نام برد.

در سیاست اقتصادی "حزب سوسیالیست یمن" گسترش پایه انرژی نیز نقش مهمی دارد. بدین منظور سرمایه گذاری بالغ بر ۶۸/۴ میلیون دینار پیش بینی شده است، که ۴/۴ درصد کل سرمایه گذاری در صنعت است. با اجرای

(دلار) می شد. سومی پنوم کمیته مرکزی "حزب سوسیالیست یمن"، که چندی پیش در عدن برگزار گشت، دومین برنامه پنج ساله تغییر یافته (۸۵ - ۱۹۸۱) را بررسی کرد. مطالعه این پیش نویس نشان میدهد که "جمهوری دموکراتیک خلق یمن" برنامه جدیدی را بر پایه تحلیل همه جانبه توسعه اقتصادی کشور در سالهای پیش تدوین کرده است. این نتیجه گیری بویژه در زمینه بهره برداری کاراتر از توان اقتصادی یمن دموکراتیک صادقی است، ویژگی کیفی جدید مشی اقتصادی حزب آن است که به تدریج از باز تولید گسترده گسترشی (Extensive Extended Reproduction) بسوی بهره برداری زرفشی (Intensive) تر از توان اقتصادی موجود گام برداشته شود. نیمی از مجموع سرمایه گذاری ۵۰۸ میلیون دینار دولت، تا سال ۱۹۸۵، در

# اتحاد مردگان

## هند در راه نوسازی های اقتصادی - اجتماعی و استعمار زدائی پیش می رود

طبیعی است که کشوری چون هند، با اطمینان جهانی همواره مرکز توجه افکار عمومی جهان قرار دارد. هند نامدن و فرهنگ در پرینه سال نقش نمایان و برجسته ای در تمام مراحل تحول تاریخ بشریت ایفا کرده است. در این که این جمهوری های ممتازی بین کشورهای مستقل آسوا و آفریقا دارد و اهمیت آن در سیاست جهانی همواره فرونی می یابد، هیچ شگفتی آور نیست.

هنديكي از پهرين بخرد سياسي در ميان كشورهاي نامتعد است و با استواری وحدت در راه صلح، خلع سلاح و همگاری بین المللی بر اساس برابری، و بر ضد استعمار، استعمار نو و نژاد پرستی تلاش می کند. سیاست صلح جهانی و سودا امپریالیستی هند و همسنگی آن با جنبش های جهانی بخش ملی غائب جمهوری در صحنه بین المللی اعتبار و بزرگی ای بخشد است.

اکنون که اوضاع بین المللی بیش از پیش بحرانی می شود و روحیه مبارزه آسوا فرو می گردد، موضع گیری های هند در برابر سیاست تسخیر دایمی، تنظیم مسالمت آمیز مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره و گفتگوهای مشخص آن (چون شناسایی جمهوری خلق کامبوجیا، پشتیبانی از پیشنه ها در اعلام اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح، همسنگی با خلق های عرب در مبارزه شان با انفالگران صهیونیست قدس) نقش بسیار مثبتی در جلوگیری از یک فاجعه هسته ای جهانی ایفا می کند.

### هند در روبرویی با

### دشواری ها

در برابر هند مسایل مهم متعددی وجود دارند که ایجاب می کند که این جمهوری با آنها بطور جدی برخورد نماید. راه حل های فاعلی برای آنها باید وجود داشته باشد. مسایل مهم اجتماعی و اقتصادی، زندگی دشوار نوده های مردم، فقر بخش مهمی از جمعیت روستایی و طبقات بی چیز شهری، بقاء بیداد گرانه کاست ها و رتبه های طبقاتی، کلیدی هند امروز شمار می روند، این کشور علاوه بر مسایل سنتی و بار خاندان استعمار از سایر مسایل زندگی پریشانی سر بر سر می برد. فعالیت ضد ملی انحصارات سبب شده است که تولید این کشور نامتناسب و بیگوار شود و بر اثر آن ترقی قیمت ها و تورم سطح بالای بیکاری، کمبود آذوقه و کالاهای مورد مصرف عموم بر اقتصاد دورنگی مردم تحمیل گردد.

بنامین همه نیار های کشور پیش می رود. طبق شاحص های کلی رشد شاخه های مهم اقتصاد، این جمهوری های اول را میان قدرت های بزرگ جهان احراز کرده و یکی از کشورهای مهم آسیا شماری می رود.

آگاهی مدنی شهروندان هند نوین، رها از پیشداوری های رایج استبداد فئودالی و سیاست شوم و مغفور استعمار - گران شکل و انسجام یافته است در این کشور نسل های متعددی سر بر آورده اند که با احساس غرور از تاریخ پر بار وطن خود، به مسایل حادثه عمیق آگاهی دارند و می کوشند آرزوی دیرین مردم را برای زندگی بهتر و انسانی با اجرا در آورند.

تولید کا میابی های محسوس بدست آمده و صاحبان صنایع با اقدام به سرمایه گذاری در صنعت سیاست جدید را "تصویب کرده اند".

در اینجا لازم به تاکید است که موضوع در جای نخست عبارت از بهبود اوضاع اقتصادی و انجام اصلاحات تازه در سیاست طبقه فرمانروا است. تثبیت اوضاع بالنسبه با استوار است. هندی ها شدت از موج اختلافات مذهبی و فیللی ای که در تابستان و پائیز گذشته بسیاری از ایالات شمالی کشور را گرفت در تشویش اند. قربانیان این منازعات که بیشتر از میان کودکان، زنان و سالخوردهگان اند بی شمارند، البته این بی نظمی ها به تحریک سازمان های ارتجاعی صورت می گیرد و از خارج حمایت می شود.

نمایندگان واقعی نیرو های چپ راه خروج از این بن بست ها را اصلاحات عمیق اجتماعی می دانند. لغو مالکیت های بزرگ ارضی در روستاها و انحصارات در صنعت، توسعه و تحکیم بخش دولتی، شرکت دادن کارگران در اداره تولید، تضمین حقوق بخش های مهمی از مردم که از نظر اجتماعی مورد تحقیر و اهانت قرار گرفته اند و همچنین پاکسازی دستگاه های پلیس و دولت از عناصر وارد هوار تجاری از مهمترین وظایف این اصلاحات است. آنها برای مبارزه با تورم و گرانی معیشت پیشنهاد می کنند که در تقسیم مالیات ها تجدید نظر بعمل آید بنحوی که انحصارات و مالکان زمین قسمت اعظم آن را بر بپردازند و در توسعه سیستم دولتی توزیع کالا های مورد مصرف عموم اقدامات لازم بعمل آید.

### پیوند هند با جبهه

### ضد امپریالیستی جهانی

### برای تأمین استقلال

مردم هند به استقلال سرزمین پهناور خود که برای آن بهای سنگینی پرداخته اند، سخت علاقمندند، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در برابر این تمایل مشروع مردم هند سخت مقاومت می ورزد و می کوشد با تکیه بر کلان سرمایه داران انحصارگروزمین داران بزرگ هند این کشور را به گردنوا بستگی های سیاسی اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم متصل نماید. و در این راه از سیاست توسعه طلبانه رهبران ماژوتیست چین و رژیم وابسته به امپریالیسم پاکستان سود می جوید.

مسافرت های بی در پی مقامات بلند پایه سیاسی و نظامی آمریکا به چین و پاکستان و تشویق آنها به سیاست تحریک و نفتن بر ضد همسایگان و مسابقه تسلیحاتی نشانه گویایی از توطئه های امپریالیسم آمریکا در برابر سیاست صلح و تشنج دایی کشورهای مستقل و مترقی منطقه منجمه هند است.

جمهوری هند با تعقیب پیگیر سیاست عدم تعهد که مضمون اساسی آن مبارزه با سیاست استعماری و نواستعماری امپریالیسم بسرکردگی آمریکا در سراسر جهان است، سدی بزرگ در برابر سیاست جنگ و تجاوز آمریکا و توسعه طلبان پکنی در اقیانوس هند ایجاد کرده است. بدین

مردم هند به استقلال سرزمین پهناور خود که برای آن بهای سنگینی پرداخته اند، سخت علاقمندند، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در برابر این تمایل مشروع مردم هند سخت مقاومت می ورزد و می کوشد با تکیه بر کلان سرمایه داران انحصارگروزمین داران بزرگ هند این کشور را به گردنوا بستگی های سیاسی اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم متصل نماید. و در این راه از سیاست توسعه طلبانه رهبران ماژوتیست چین و رژیم وابسته به امپریالیسم پاکستان سود می جوید.

### مردم به دموکراسی و پیشرفت رای دادند

همانطور که رویدادهای تازه در جای اول استحضات مجلس در سال گذشته نشان داد، برنامه پیشنهادی حزب کنگره به رهبری ایندی راکانندی مورد استقبال توده های مردم قرار گرفت و برنامه "جانانا پارٹی" را از صحنه بیرون راند. انتخاب مجدد بانو گاندی به نخست وزیر هند پیروزی بزرگ نیروهای دمکراتیک بیوروکراتیک این کشور در عرصه قدرت دولتی بود. دولست جدید بلافاصله پس از روی کار آمدن کوشیده است برای بهبود اوضاع اقتصادی، کاهش کسربود جو و تثبیت قیمت ها تدابیر جدی اتخاذ نماید. کمیسیون برنامه - ریزی هند دوباره آغاز بکار کرده و برای تقویت بخش دولتی اقدامات معینی انجام گرفته است. بالا بردن محسوس قیمت های خرید بسیاری از محصولات کشاورزی و برنامه ریزی برای تنظیم سیستم آبیاری در یک دوره ۲۵ ساله موجب افزایش سطح کشت و بهبود اوضاع در روستاها خواهد شد. دولت سرمایه گذار بهای خود را در برق و انرژی، استخراج غل، نفت و گاز افزایش داده است. به مساله حمل و نقل توجه ویژه ای مبدول گردیده است.

خلاصه این که بموجب داده های رسمی در زمینه متوقف نمودن روند کاهش

این کشور شدت زیر فشار بحران های جهانی اقتصاد سرمایه داری قرار دارد: مانند فرونی برق آسای بهای نفت و محصولات نفتی (هند را معادن نفتی کافی بی بهره است و لذا در سال گذشته ناچار شد ۶۲٪ درآمد های ارزی را صرف خرید نفت کند)، کاهش قیمت های جهانی کالاها و ستنی صادراتی هند چون قهوه، چای و ادویه و سیاست محدودیت های گمرکی کشورهای صنعتی سرمایه داری و فعالیت چند ملیتی ها.

سال مالی ۱۹۷۹-۱۹۸۰ "خرابی" محسوس اوضاع اقتصادی کشور را به ثبت رسانده است. گزارش رسمی دولت به پارلمان به این مگرکوهی می دهد. برای نخستین بار در هفت سال اخیر محصول ناخالص ملی کاهش یافته است. خشکسالی شدید در مناطق مهم کشاورزی باعث گردید که تعداد زیادی از دام ها از بین بروند و محصولات غذایی و تعداد ملاحظه کاهش یابد.

کاهش تولید صنعتی در جای نخست به کمبود مرم نیروی برق، زغال و فرآورده های نفتی، بدی کاروسایل حمل و نقل، مخصوصاً راه آهن مربوط است. مفسرین هندی استدلال می کنند که کمبود "برق نتیجه اشتباهات در برنامه ریزی، نبود هماهنگی متمرکز و بادی مدیریت این شاخه اقتصاد است. یکی از علت های بحران حمل و نقل وجود نقص در برنامه ریزی است.

بسیاری از مسایل بخشهای کلیدی

هند امروز از طبقه کارگر نیرومندی با ست های عتی سدی کاسی، تطاهرات مطالباتی دهقانان و جنبش عظیم افکار عمومی برای صلح برخوردار است. هند سرچشمه تجربه یکی از بزرگترین احزاب طبقه کارگر در سواره ما در مبارزه برای دفاع از مصالح زخمتکشان، و وحدت جنبش دمکراتیک و نیروهای چپ است.

مردم قهرمان هند از زمان دست یافتن به استقلال که پس از یک مبارزه طولانی، در ۲۴ مرداد ۱۳۲۶ (۱۵ اوت ۱۹۴۷) اعلام گردید با کار پر جوش و خروش خود در مقیاس معینی بر عقب ماندگی در پرینه سال، ایستایی، فقر و نابرابری میراث استعمار فایق آمده اند.

محصول ناخالص ملی به دو برابر و نیم افزایش یافته است. بهترین محصول غلات غذائی (۱۲۰ میلیون تن در ۱۹۷۹-۱۹۷۶) امکان داده است که واردات آنها قطع گردد و دولت به ذخیره کردن این غلات بپردازد. تنظیم اقتصاد طبق برنامه ریزی دولتی به رشد چشمگیر تولید صنعتی کمک بسیاری نموده است.

بخش دولتی در این زمینه نقش برجسته ای ایفا می کند. در بهداشت مردم، آموزش ملی و علم و فرهنگ کا میابی های نمایانی بدست آمده است. کوتاه سخن، هند کام بزرگی به پیش برداشته است: این کشور که متناوباً بر صرصه گرسنگی قرار داشت و دهقانان با بیلب جویی روزی زمین کار می کردند و یگانگ و سیلاناتا مین روستایی شان شمع بود به کشوری دارای مراکز هسته ای و سیستم پیچیده نیرومندی آبیاری تبدیل شده است.

هند جدید در جهت هدف معین که عبارت از بی افکندن اقتصاد مستقل، توانا

## سطح عالی حرفه آموزی در "جمهوری دمکراتیک آلمان"

در سال ۱۹۷۰، در "جمهوری دمکراتیک آلمان" ۹۹۳۹۰۰ دانش آموز از حرفه آموزی برخوردار شدند. این شماره در سال ۱۹۷۵ به ۲۰۶۸۰۰ و در سال ۱۹۸۰ به ۲۲۱۵۰۰ نفر رسید.

در پنج سال گذشته، روی هم رفته ۱۵۰۸۰۰ نفر به حرفه آموزی پرداختند که ۳۵۹۰۰ تن بیشتر از دوران برنامه پنجساله پیشین بود.

در سال ۱۹۷۰، سهم دختران و پسرانی که در بیرون ده کلاس هفتم تکمیلی را

## بیکاری همچنان در کشورهای سرمایه داری پیدای کند

بیکار و کم کار از این نظر، از سال ۱۹۴۵ تا کنون، به دو مین رکورد دست یافت.

در کشورهای نه کلنه، "جامعه اقتصادی اروپا" در سال ۱۹۸۰ صلی بیکاران بسرعت دراز شد. در حالیکه در آغاز سال ۶/۳ میلیون نفر در این کشورها بیکار بودند این شماره در پایان سال رسماً به ۷/۹۱۴ میلیون افزایش یافت.

"سپاه ترین ماه" ۱۹۸۰ برای زخمیکشان کشورهای جامعه اقتصادی

اروپا "ماه دسامبر بود. در این ماه ۳۲۰ هزار نفر در این کشورها بیکار شدند. در ماه نامبرده در "جمهوری فدرال آلمان" نرخ بیکاری ۱۵/۶ و در دانمارک ۱۰٪ افزایش یافت.

امروزه در بریتانیا از هر ده نفر، یک تن بیکار است. در پایان سال ۱۹۸۰، ۲/۳ میلیون نفر در این کشور بیکار بودند.

در کشورهای سرمایه داری معمولاً نمایی از بیکاران را جوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله تشکیل می دهند.



### مقررات جدید...

بقیة صفحه ۱

وتقلب در مدارک ارسالی، نداشتن گذرنامه معتبر و ویزای تحصیلی معتبر و غیره است. صوابت جدید در اکثریت خود عادلانه و طبق موازین انقلابی است. آنچه مهم است، اما متأسفانه فراموش شده، رعایت ضوابط سیاسی برای پرداخت ارزش تحصیلی است.

انقلاب ایران آماج تهاجمات گوناگون امپریالیسم، بسز گردگی آمریکا جهانخواه است. از جمله اهرم های اجرایی امپریالیسم در توطئه های ریگاریک خود، ضدانقلاب مقیم خارج از کشور است که بخشی از آن بمثابة نیروی ذخیره امپریالیسم و بخشی بصورت فعال عمل می کند. در این هر دو بخش دانشجویان ایرانی مقیم خارج، خود دارند، که گواه آن هجوم آنان به سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران و تظاهرات خیابانی شان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در هفته های اخیر است.

### مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج - نوعی "فاجعه"

مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج، به گفته دکتر جهان ناهلور رئیس سازمان سنجش آموزش کشور، نوعی "فاجعه" است. در دوران حاکمیت طاغوت، کشوری درونی پیکری داشتیم و چندین میلیارد دلار درآمد سالانه نفت، از مرزهای مینوی و هوایی و دریایی این کشور هر روز قافله پرشماری سوی خارج روان بود، که بخشی از آن "دانشجو" بودند. این هزارها جوان و نوجوانی که همه ساله عازم آمریکا، اروپای غربی و چند کشور آسیایی نظیر ژاپن و فیلیپین و هندوستان می شدند، خود در آغاز بدرستی نمی دانستند در کدام کشور سکونت خواهند کرد، در چه رشته ای درس خواهند خواند، چند سال در خارج خواهند ماند و کی مراجعت خواهند کرد؟ چندان در دست و حواله ارزی در جیب، شانس خود را در این آن کشور می آزمودند، تا کجای بخت با آنها یاری کند، رشته ای را بعنوان رشته تحصیلی برگزینند و یا بخت پشت کند و کتاب و دفتر را در طاقچه بگذارند و خود دیدن بحال بحث های کافه ای، هر روز راهی خیابانها و یا خانه های آنها در آن دوست شوند.

در میان این جمع التداقلیتی وجود داشت که با هدف مشخص، راهی خارج می شد، رشته تحصیلی را مطابق ذوق و استعداد خویش از قبل انتخاب کرده بود، کشور محل اقامتش از قبل معین بود، پذیرش دانشگاهی گاهی داشت، مصمم و درسخوان بود و حاد فاعل "قصد" مراعهه مبین و خدمت به مردم داشت. این دانشجویان واقعا میل داشتند به میهن بازگردند و مبارزه را در داخل کشور ادامه دهند. حال اگر ما Moran ساواک در سفارتخانه های "آریامهر" شناسایی اش می کردند و برگزینا می شد، ما سوسیالیست می بودیم و باید راه دیگری بر سر راهش می نهادند و در نتیجه نمی توانست به کشور باز گردد، امری بود علیحده.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور خود این واقعیت را تبیین می کند. آقای دکتر جهان ناهلور می گوید:

چند هزار دانشجوی ایرانی در خارج است و حتی اگر شما نیز همین حالا از من سؤال کنید، چند هزار دانشجو در خارج از کشور است، بشما می گویم بین ۹۵ تا ۱۰۰ هزار نفر، براساس همین آمار ما حدود ۲۱۵ هزار نسخه پرسشنامه دانشجویی توزیع کردیم، اما از این تعداد تا حال ۹۰ هزار پرسشنامه بجا داده شده است و معلوم نیست بقیه که بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر می باشد، کجاست.

با آنکه معلوم نیست که این ۱۲۰ هزار نفر در کجا هستند، ولی معلوم است که چه کسانی هستند، کسانی که دانشجو نبوده اند و سالیان دراز و حتی دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب بنام "دانشجو" از این مردم زحمتکش و محتاج را بلعیده اند و یا زمانی دانشجو بوده اند، و چون مایه و قدرت و ظرفیت تحصیلات عالی را در خود نیافته اند، درس و مشق را یکبارگی نهاده و حرفه سهل و آسان خیابان گردی و کافه نشینی را پیشه کرده اند و در بلبشوی غارتگری طاغوت، هزینه گردش و سیاحت آنان از جیب مردم پرداخت میشده، که بدیختانه در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافته است.

### پیروزی انقلاب

### و مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج

یکی از مسائل اساسی که با پیروزی انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن می بایست در دستور کار وزارت آموزش عالی و وزارت خارجه دولت انقلاب قرار می گرفت، مسئله رسیدگی به وضع دانشجویان ایرانی مقیم خارج بود، کاری که با تاخیر زیاد، در دستور وظایف دولت انقلاب قرار گرفته، می بایست بلافاصله پس از پیروزی آغاز می شد و این مسئله در ابعاد فرهنگی و اقتصادی آن مورد مذاکره قرار می گرفت، ضوابط جدیدی منطبق با محتوای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب برگزیده می شد و ضوابط طاغوتی یا بی ضابطگی های گذشته، بدون ترس از تهدید و شانتاژ، باطل اعلام می گردید، اما لیبیرال ها مانع شدند و بیش از دو سال پول مردم زحمتکش که بخش عمده آن در فقر مطلق بزمی برد، بخارج فرستاده شد، تا درانه های خانواده های پولدار و مرفه سیاحت کنند و به نظام جمهوری بجای درود، لعن بفرستند رئیس سازمان سنجش آموزش کشور می گوید: "به ما گزارش داده اند که بین ۱۲۰ تا ۱۸۰ میلیون دلار ما بایه آن ارز دانشجویی خارج میشوند طبق این محاسبه هر سال ۲۱/۱ میلیارد دلار ارز دانشجویی بخارج رفته و در مقابل، محصول زیادی باز ننگشته است. آنها که مقیم بوده اند، ماندگار شده اند و آنان که پس از انقلاب رفته اند،"

"سرگردان هستند و نتوانسته اند دیدگاههای راه پیدا کنند". (دکتر جهان ناهلور) این دانشجویان و غیر دانشجویان، اکنون بر سردر راهی آزمایش قرار گرفته اند. یا درس می خوانند، رشته تحصیلی شان مورد نیاز مملکت است و خود مومن به انقلابند که در اینصورت باید بی تردید به آنان ارز پرداخت، تا درس خود را به پایان برسانند و دانش و تخصص خویش را در خدمت مردم محروم قرار دهند. و یا درس نمی خوانند و اگر می خوانند، ضد انقلابند، که در این صورت باید بی لیت و لعل ارز تحصیلی شان را قطع کرد.

### سیاست جدید

### پرداخت ارز دانشجویی

برای پرداخت ارز به دانشجویان ایرانی مقیم خارج باید در همه ابعاد، معیارهای انقلابی مقرر شود. معیارهای انقلابی را نه فقط باید در ابعاد فرهنگی و اقتصادی آن نگریست، بلکه باید ابعاد سیاسی آن را نیز در نظر داشت، که متأسفانه در مقررات جدید به فراموشی سپرده شده است.

آیا اداره سنجش آموزش کشور می تواند تصمیم کند که کلیه کسانی که بموجب مقررات جدید مشمول دریافت ارز هستند، واجد شرایط سیاسی اند، یعنی مومن و معتقد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران هستند؟ مسلما نه، زیرا چه بسیار فرزندان خانواده های سرشناس خوب خورده و خوب برده، که مشمول دریافت ارز تحصیلی شناخته شده اند، چه بسیار از این عده دانشجویان، که با تمامی وجود خود وابسته به رژیم طاغوت اند و از انقلاب گسسته، وجه ساکه در این اعتقاد ضد انقلابی از وقت و نیروی خود هم مایه می گذارند و دست در دست طاغوتیان و فراریان خارج از کشور علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به ویرانگری مشغولند.

اداره سنجش آموزش کشور اخیرا اعلام کرده است دانشجویانی که ارز تحصیلی شان قطع شده، چنانچه خود را با ضوابط دریافت ارز تطبیق دهند، مجددا ارز دریافت خواهند کرد. تطبیق دادن خود با ضوابط جدید برای عده زیادی، یعنی تغییر رشته تحصیلی، در حالی که سؤال آن است که آیا اصولا نیازی هست که حدود صد هزار دانشجو در خارج داشته باشیم و از سبب المال به آنان ارز بپردازیم؟ آیا تضمینی وجود دارد که این دانشجویان به کشور بازگردند و دانش و تخصص خود را در خدمت میهن و مردم قرار دهند؟

در شرایطی که درآمدهای ارزی ایران، به دلایل روشن محدود است، و به هر دلار آن برای بازی سازی کشور نیاز مبرم وجود دارد، چگونه ممکن است که هنوز سالانه ۲ میلیارد دلار برای پرداخت ارز تحصیلی در نظر گرفته شود؟ در شرایطی که حداقل دستمزدهای کارگران، علیرغم گرانی و تورم بیسابقه، در ۶۳/۵٪ تومان تثبیت می شود، و کارگران و زحمتکشان به صبر انقلابی دعوت می شوند و آنها هم با گذارده روی می پذیرند، چگونه می توان باور کرد که دولت انقلاب به علت گرانی هزینه زندگی در انگلستان، پرداخت ارزی بیشتری را به دانشجویان تقبل کند؟

ناوجه سریع السیر جنگی موشک انداز، مثل فشنگ، آب دریا را می شکافند و به سوی ایران روانند. دوربین رابنه ناخدای کشتی یدککش می دهد و می گوید: "این سه ناوچه را می بینی؟ آنها را تعقیب کن و چنگک بینداز، آنها را بگیر". ناخدای اسپانیایی می گوید: "آقا، سرعت یدککش من نسبت به سرعت این ناوچه های جنگی، مثل سرعت یک لاک پشت به خرگوش است، چطور آنها را تعقیب کنم؟ وانگهی مگر آنها ماهی هستند که آنها را با چنگک بگیریم". اما دریا دار حیب الهی، که از "آزادگان" است، نهیب می زند که "همان است که گفتم" و "همان می شود که او می خواهد، کشتی یدککش به ناوچه جنگی می رسد و کمندی انداز دو آنرا اسیر می کند.

بعدهم که ناوچه را تو چنگ گرفت، راهش می اندازد و از آبهای اسپانیا به سوی مراکش فرار" می کند، با چنان سرعتی که هواپیماها و ناوهای تندرو اسپانیایی که او را تعقیب می کنند، بگردش هم نمی رسند. معلوم می شود که سازمان "آزادگان" به رهبری ارتشبد آریانا می -

### موتق ترین روایت...

بقیة صفحه ۱

دریای شاهنشاهی است که در آن روزگار خوش راهیمایی بسوی تمدن بزرگ به قدری وطن پرست بود که نیمی از دزدی های خود را به شاهنشاه عزیزش تقدیم می کرد. بعد هم از روی "وطن پرستی" به کمک "سیروس ونس وزیر خارجه" سابق آمریکا، خاک ایران را ترک کرد. تا "وطن پرستی اش" را در خاک فرانسه حفظ کند. باری، این دو تیمار قهرمان و نامدار استکار خود در نهایت دلآوری به یک چنین عملیات محیر العقول دزدی ملی گرایانه و "وطن پرستانه" دست یازیده اند و ابداد آمریکا و انگلیس و فرانسه اسپانیا و مراکش در آن دست نداشتند! ماجرای عملیات، بنایه تحقیقات "موتق" مورد تصدیق آنها، به شرح زیرین است:

دوماه پیش فرانسه را به قصد ترکیه ترک کرده و بطرح نقشه تصرف "گازانبری" ایران را می ریخته، که ناگهان خیرداری می شود که قرار است سه ناوچه جنگی موشک انداز متعلق به ایران، راهی ایران شوند. فوری تصمیم می گیرد که این سه ناوچه موشک انداز را برای عملیات "گازانبری" تصرف ایران، در آبهای "بین المللی" و نه در آبهای ساحلی اسپانیا، برآید و در یادر حیب الهی را که متخصص دزدی است، مامور می کند که این بار بجای دزدی پول، این سه ناوچه جنگی را در دریایزد. دریا دار سابق حیب الهی، عضو سازمان "آزادگان" به فرماندهی ارتشبد نامدار آریانا (همان موسولینی ایران)، برای انجام ماموریت از فرانسه به اسپانیا می رود و یک کشتی یدککش "آجاره" می کند هرچه ناخدای یدککش اسپانیایی از او می پرسد که کدام کشتی را می خواهی یدک بکشی، جواب می دهد: "به تو مربوط نیست، برو". او هم می رود، یعنی دونفری سوار بر کشتی یدککش به آبهای بین المللی می روند، همین که به آبهای بین المللی می رسند، دریا دار حیب الهی دوربین می اندازد و می بیند سه

### باید انقلابی تصمیم گرفت

و

### انقلابی عمل کرد

آنچه مسلم است ما به حدود ۱۵۰ هزار دانشجو در خارج نیاز نداریم. باید از این جمع کثیر، عده ای قلیل را، که رشته تحصیلی شان در داخل وجود ندارد و یا در سطح ممتاز نیست و اقتصاد کشور بدان نیازمند است، برگزید و به آنان ارز تحصیلی پرداخت. با قطع ارز تحصیلی بقیه و صرفه جویی از این راه می توان شبکه دانشگاه ها را گسترش داد و امکانات آموزش عالی را برای فرزندان زحمتکشان در داخل کشور فراهم آورد. بر طبق ضوابط انقلابی:

- دانشجویان ایرانی مقیم خارج نباید فرزندان خانواده های فراری و ضد انقلابی باشند - دانشجویان ایرانی مقیم خارج نباید متعلق به خانواده های مرفه و ثروتمند باشند، زیرا این خانواده ها خود قادر به تامین هزینه فرزندان خویش هستند. - دانشجویان ایرانی مقیم خارج باید پشتیبانان انقلاب باشند و یا حداقل موضع خصمانه فعال نسبت به انقلاب نداشته باشند. - دانشجویان باید تعهد سپردند که پس از پایان تحصیل بفاصله چند ماه به میهن خویش بازگردند.

صناسیاست "نه شرقی، نه غربی" که سیاست رسمی اعلام شده از سوی نظام جمهوری اسلامی است، حتما به این معنا نیست که دهها هزار دانشجو در کشورهای آمریکا و اروپای غربی نگاه داشته شوند و از اعزام دانشجو به کشورهای سوسیالیستی بدلیل غیر منطقی خودداری شود؛ دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه های کشور - های امپریالیستی با غش باز پذیرفته شوند و از مراجعت متخصصین، تنه بادین دلیل که از دانشگاه های کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی فارغ التحصیل شده اند، جلوگیری شود و حتی حق اقامت در وطن آنان سلب شود.

جو فرهنگی و اجتماعی کشورهای سوسیالیستی سالم ترین جو برای تحصیل جوانان ما و کسب تخصص آنهاست. اگر خانواده های ایرانی کمترین اطلاعی درباره این کشورها و سیستم آموزشی آنها داشتند، مطمئنا آرزوی شان

بود که فرزندان شان در آن شرایط تحصیل کنند. وظیفه مسئولین آن است که خود را از دام تبلیغات خصمانه امپریالیسم درباره کشورهای سوسیالیستی برهانند و این کشورها که دوست صادق و صمیمی انقلاب ایرانند، بر خورددوستانه داشته باشند، بورسهای تحصیلی این کشورها را عاقل نگذارند و ایرانیان مقیم این کشورها اجازه بازگشت دهند. مسئولین مملکت نباید در این پندار واهی اسیر شوند که گو میاراجعت این گروه از ایرانیان، انقلاب سوسیالیستی را به سرزمین ما صادر خواهد کرد و یا اگر جوانان خود را برای تحصیل به دانشگاه های کشورهای سوسیالیستی بفرستیم، پس از چند سال یک عده "کمونیست" تحویل خواهیم گرفت که انقلاب ایران را به مخاطره خواهند افکند!

تجربه اعزام دانشجویان کشورهای "جهان سوم" به کشورهای سوسیالیستی نشان می دهد که این دانشجویان که پس از فراغت از تحصیل همه به کشورهای خود بازمی گردند صرفنظر از عقاید گوناگون سیاسی و ایدئولوژیک خود، تخصص خود را در خدمت میهن خویش گذاشته اند.

### اتحاد مردم

### اما جنبه جدی مسئله

تردید نیست که دولت های آمریکا، فرانسه، انگلیس، اسرائیل، اسپانیا و مراکش وسازمانهای جاسوسی آنها در

"ربودن" ناوچه جنگی موشک انداز جمهوری اسلامی ایران، دست داشته اند البته این عمل بی شرمانه بیش از گز پشاه برانقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران تاثیر نداشته و نخواهد داشت، ولی وزارت امور خارجه

جمهوری اسلامی ایران، همان گونه که تا کنون عمل کرده است، باید این راهزنی دریایی را مورد پیگرد جدی قرار دهد و کراهت چهره پلید بین دولتها ای امپریالیستی را هن را بیش از پیش در برابر جهانیان به نمایش بگذارد.

الهی را بعنوان چاشنی به گزارشهای آنها افزوده است.

بقیه از صفحه ۱

## مسئولیت مضاعف ...

منجر گردید، نقش قاطع ایفا کرد، بلکه در طول دو سال و نیمه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، در همه جنبه‌های نبرد به تحکیم این حاکمیت همت گماشته است. طی دو سال و نیمه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، کارگران ایران هم در جنبه نبرد داخلی تلاش و مبارزه مستمری برای راه‌اندازی و پیشرفت تولید و خدمات عالی رعم کارشکنی سرمایه‌داران و محافظان وابسته به آنها به عمل آورده‌اند و هم در جنبه نبرد خارجی به منظور طرد تجاوزات گوناگون امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و جنگ راهزانه تجار و کارگران صدامی بیشترین و نیز رکنترین فدائکارانی برای دفاع از انقلاب و تثبیت حاکمیت انقلابی ایران داشته‌اند.

با ظاهر شدن و بالاگرفتن خطر جریان امپریالیستی - لیبرالی - بنی‌صدری که با سقوط کامل رهبری مجاهدین خلق به نایب‌الخطاب خبیات همراه گردید و جنبه خطرناکی از آنها به سود امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی گشوده شد، کارگران ایران با حمایت بی‌تردید و استوار از دستاوردهای انقلاب مردمی و اسلامی نقش قاطعانه ای در رفع این خطر و نومیودی ضد انقلاب ایفا کردند.

کارگران ایران علی‌رغم دام گستری‌های باند بنی‌صدر و گروهک‌های مائوئیستی - آمریکایی، رنجبری‌ها، بیگاریها و رهبری ضد مردمی مجاهدین به تنهایی آنها را خرد کردند، بلکه با آگاهی و ایثار و تنظیمی در مبارزه برای رفع خطری که متوجه انقلاب شده بود، شرکت کردند. حضور توده‌های میلیونی کارگران ایران در صحنه و دفاع به حق و آگاهانه از انقلاب و آرمان‌های مردمی و ضد امپریالیستی آن توطئه‌های وسیع ضد انقلاب و جریان‌های رنگارنگ لیبرالی و شبه انقلابی را با شکست و ناکامی روبرو ساختند.

کارگران بیدار و قهرمان مانه تنها حضور فعال خود در جنبه نبرد با متجاوزین صدامی و کوشش بیدرغ در بالابردن سطح تولید در پشت جنبه مشت محکمی بر دهان جبهه بر - اندازی کوبیده‌اند، بلکه با شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی امید ضد انقلاب داخلی و خارجی را در بهره برداری از غیبت احتمالی شان در صحنه مبارزه سیاسی نقش بر آب کرده‌اند.

کارگران ایران که به حق ستون فقرات انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی به شمار می‌روند و در برابر اراده پولادین آنان هر نوع توطئه ایلیسی دشمنان قسم خورده مردم آب در هاون کوفتن است، بی‌شک در تداوم مرحله کنونی یعنی آغاز مرحله سوم انقلاب همچنان از ستون پایه‌های مهم پیروزی بر ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم خونخوار آمریکا هستند. این واقعیت حاکمیت انقلابی را به توجیه به مسئولیت مضاعف خود در برابر کارگران و تحقق خواست‌های آنان فراموشی خواند.

## انتظار کارگران از حاکمیت انقلابی

چنانکه می‌دانیم توده میلیونی کارگران ایران بار سنگین نظام طاغوتی مدفون را بردوش می‌کشیدند. آنها در آن رژیم به بیرحمانه ترین وضع استثمار می‌شدند و از شمول همان قانون کار ناقص و بیمه‌های اجتماعی، از محدود بودن روزگار به ساعات قانونی، از تعطیل هفته و مرخصی سالیانه از شرایط بهداشتی و استحقاقی کار و از دریافت

بقیه از صفحه ۳

## کارنامه ابوالحسن ...

داری می‌کنیم و خواننده علاقمند را به روزنامه "انقلاب اسلامی" در تاریخ یاد شده رجوع می‌دهیم.  
اما تبلیغات "انٹی‌کمونیستی" بنی‌صدر تنها علیه اتحاد شوروی نبود. او که پیوسته از اروپای غربی مجرمی گفت، درباره جمهوری دمکراتیک آلمان می‌نوشت:

"سطح زندگی در دو آلمان (آلمان غربی و آلمان دمکراتیک) کاملاً غیر قابل مقایسه با یکدیگر است. میزان استثمار در آلمان شرقی بیشتر و بالاتر است ... (انقلاب اسلامی - ۳ اسفند ۱۳۵۹) و درباره چکسلواکی چنین اظهار نظر می‌کرد:

"چکسلواکی پیش از جنگ تولید ناخالص برابر با تولید ناخالص سرانه"

دست‌مزد عادلانه و دیگر مزایای قانونی محروم بودند. میلیون‌ها کودک ایرانی برخلاف قانون کار و قرارداد های بین‌المللی در غیر قانونی در کارگاه‌ها استثمار می‌شدند، زنان نیز از رعایت موازین قانونی و دریافت دستمزدی برابر با مردان محروم بودند. حقوق سندیکا بی و تشکل صنفی کارگران زیر پا گذاشته می‌شد. کارگران در برابر اعتراض به استثمار و حشایانه و غارت دسترنج خود از جانب کارفرمایان خصوصی و دولتی به شدید ترین وجه مورد تعقیب و شکنجه قرار می‌گرفتند. کارگران ایران زیر استثمار دوگانه امپریالیستی و سرمایه داری وابسته کم‌رخم کرده بودند. آنها از دست یافتن به ساده‌ترین حقوق کارگری محروم نگه داشته شده بودند. استثمار و ظلم وارده به کارگران انصورت قوانین طاغوتی و ممانعت از آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی کارگران و سرکوب مبارزات آنان و تحمیل شرایط بسیار سخت و ناگوار کار و زندگی به زحمتکشانشان تجسم یافته بود.

طبیعی است که انتظار کارگران ایران که هیچگاه از مبارزه علیه رژیم دست نشانده سلطنتی و سلطه امپریالیسم باز نایستاده‌اند و با مبارزه مداوم و بی‌پیکر خود و ابراز قهرمانی بی - مانند رژیم تنگین طاغوت راسرنگون کرده‌اند، آن بود که وضع آنان پس از انقلاب سریعاً تغییر یابد. پس از دو سال و نیم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، آیدار وضع استثمار و ظالمانه‌ای که سرمایه‌داری و رژیم وابسته به آنها تحمیل کرده بودند، تغییری حاصل شده است؟ نامه ۱۲۳ نفر از کارگران کارخانجات کمپوت و کنسرو مشهد که در تاریخ ۶۰/۵/۸۸ در روزنامه اطلاعات چاپ و منتشر شد به این سؤال پاسخ می‌دهد:

"باینکه دو سال از انقلاب خونبارمان می‌گذرد و با آنکه امام خمینی بارها فرموده‌اند کارگران ستون فقرات انقلاب می‌باشند، کوخ - نشین‌ها بودند که انقلاب کردند نه ناخشنین‌ها، و با توجه به جایزای‌های کارگران در عرصه پییکار حق و باطل، هنوز کوچکترین تغییری در وضعیت ما کارگران کارخانجات کمپوت و کنسرو مشهد صورت نگرفته است و ما کارگران در مقابل ۱۱-۱۲ ساعت کار بظور متوسط ۳۵-۳۰ تومان مزد دریافت می‌کنیم و از هرگونه حقوق قانونی محروم هستیم. لذا ما کارگران خواهان پرداخت حداقل دستمزد و سایر مزایای قانونی از قبیل (حق مسکن- بیمه - ۴۴ ساعت کار در هفته و...) و لغو ماده ۳۳ ضد - کارگری قانون کار و جلوگیری از کار کارگران خارجی در کارخانه‌های ما هستیم."

نامه کارگران کارخانجات کمپوت و کنسرو مشهد نامه‌ای استثنایی نیست، این وضع گریبان - گیر قاطبه کارگران است که پس از گذشت دو سال و نیم از پیروزی انقلاب، به جای ۴۴ ساعت کار در هفته بیش از ۷۰ ساعت کاری کنند و به جای ۶۴ تومان حداقل دستمزد، روزانه ۱۲ ساعت کار ۳۰ تا ۳۵ تومان دریافت می‌کنند، حق مسکن ندارند، بیمه نیستند و از دیگر مزایای کارگری محروم‌اند.

تا ز این وضع کارگران کارخانه‌هاست. وضع میلیون‌ها کارگر کارگاه‌های دستکار و کوچک به مراتب بدتر و سخت‌تر از این است. میلیون‌ها کارگر در کارگاه‌های قالی بافی، کوره پزخانه‌ها، کارهای ساختمانی، کارگاه‌های پیشه‌وری و نظایر آن در شرایط استثمار و زندگی غیرانسانی به سر می‌برند.

وضع کنونی کار و زندگی کارگران فدائکار ما با ماهیت انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی سازگار نیست. این وضع با آنچه مورد نظر رهبران انقلاب است منافات دارد: "باید توجهات

به این توده‌های مستضعفی که با زحمت خودشان ورنج خودشان در جبهه پشت جبهه مشغول فدائکاری هستند، باشد.

و قوت آن رسیده است که حاکمیت انقلابی با جدیت به تغییر و دگرگونی بنیادی به سود توده‌های عظیم کارگران و زحمتکشانشان بپردازد.

انتظار میلیون‌ها کارگرایران این است که کابینه جدید در همین آغاز مرحله سوم انقلاب عملتصویب قانون مترقی و انقلابی جدید کار، تصویب قوانین مترقی تامین اجتماعی و تصویب مقررات گوناگون برای دفاع از حقوق و منافع کارگران را در صدر وظایف خود قرار دهد و به وضع نایسان کارگران که از دوران طاغوت به ارث مانده پایان دهد.

کانون شوراهای اسلامی کارگران در نامه ای که به مناسبت تعیین نخست وزیر جدید و تشکیل کابینه انتشار داده همین خواست‌ها را به عنوان انتظار کارگران از حاکمیت انقلابی خاطر نشان می‌سازد:

"امروز که امت قهرمان و شهید پرور ایران به رهبری امام و با تأییدات خداوند متعال با حضور میلیونی خود در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی شکست دشمنان قسم خورده اسلام را به ثبت رسانیده است، امروز که ملت ما با حذف جریان لیبرال‌ها از حاکمیت، مرحله‌ای از انقلاب را به پایان رسانیده است، امروز که رئیس جمهور منتخب مردم با مجلس شورای اسلامی وقوه اجرائیه و قضائیه هماهنگی یافته است، ملت مسلمان و انقلابی ما انتظار دارد با تعیین یک دولت مکتبی و متعهد، متشکل از نخست وزیر و وزیرانی مکتبی و انقلابی و هماهنگی نهاددهسای قانون اساسی در جهت پیاده کردن دقیق رهنمود های امام و خدمت صادقانه به مستضعفین زمینه تداوم و تعمیق انقلاب اسلامی ما هر چه بیشتر فراهم گردد."

## دستاوردهای عظیم سیاسی و اجتماعی کارگران در دوران پس از انقلاب

علی‌رغم دشواری‌هایی که طییف وسیع لیبرال‌ها و دشمنان انقلاب در برابر تامین حقوق و خواست‌های به حق کارگران و زحمتکشانشان به وجود آورده‌اند پیروزی‌های آنان در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در دوران پس از پیروزی انقلاب بسیار عظیم است. محور رژیم طاغوتی و سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از هم پاشیدن دستگاه جهنمی ساواک و پایان دادن به سلطه عوامل آن بر کارخانه‌ها و سازمان‌های کارگری و گام‌های دیگر در جهت رفع تبعیضات سیاسی و اجتماعی از کارگران از جمله پیروزی‌های کارگران در انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران به شمار می‌رود. همچنین تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که در آن حقوق بسیاری برای کارگران و زحمتکشانشان به رسمیت شناخته و رهایی آنان را از ستم استثمار و عده می‌دهد و برخورداری آنان را از حق فعالیت آزاد صنفی، سیاسی و شورایی به موجب اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی تضمین می‌کند، می‌توان از دستاوردهای مهم کارگران دانست.

با وجود این در آنچه که مربوط به تغییر روابط ظالمانه بین کار و سرمایه است و در زمینه برخورداری کارگران از مزایایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کارگران وعده داده باید گفت که چیزی نصیب توده‌های زحمتکش نشده است همانطور که قبلاً اشاره شد کارگران از تنظیم و تصویب و شمول قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی تاکنون بی‌بهره مانده‌اند. کارگران تا

همین امروز نه فقط در برابر آزادی سرمایه داران در غارت دسترنجشان در محیط کار بی دفاع بوده و از گرانی و تورم بستوه آمده - اند، بلکه حتی از حق تشکیل صنفی و شورایی نیز بی‌بهره نگاه داشته شده‌اند. در دوران پس از پیروزی انقلاب، به ویژه دولت لیبرالی "گام به گام" مانع برخورداری کارگران از مواهب انقلاب بوده است.

## مخالفت لیبرال‌ها با

## حقوق شورایی کارگران

اینکه مخالفت با تحقق خواستهای کارگران در دوران پس از پیروزی انقلاب از جانب لیبرال‌ها و دیکر حاکمان سرمایه داران چه دامنه وسیعی داشته، از متن نامه‌ای که کانون شوراهای اسلامی کارگران، در ارتباط با مخالفت مدیران لیبرال و ناصالح و حتی وزیر صنایع و معادن پیشین با نظام شورایی در کارخانه‌ها انتشار داده پیدا است. در این نامه، شورای اسلامی کارگران، ضمن بر - شمردن اهمیت نظام شورایی در واحدهای تولیدی - خدماتی از نظر رشد انقلاب و دگرگونی در روابط تولیدی و اقتصادی و پیشرفت تولید و صنعت، چنین خاطر نشان می‌سازد:

"... با توجه به نقش تعیین کننده شوراهای اسلامی کارگران به عنوان نهاد های انقلابی داخل کارخانجات از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون... و با در نظر گرفتن نقش مخرب مدیران لیبرال و ناصالح و سرمایه دارانی که در رابطه با صنایع هستند و دیدگاه و عملکرد وزیر صنایع و معادن، که مبتنی بر حمایت صریح از این مدیران و سرمایه داران در مقابل رشد انقلاب و شورای اسلامی کارگران بوده و هیچگونه اقدام اساسی نیز در دگرگونی و برنامه ریزی در تولید و اقتصاد به عمل نیاورده است، لازمت تا ناخشنودی و نارضائی عمیق کارگران و شوراهای اسلامی کارگران را از ایشان اعلام داشته و جان نشین کردن وزیر متعهد و انقلابی در راس صنعت مملکت را از مقام ریاست جمهوری مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر آینده خواستار شویم" (روزنامه "کیهان" ۱۳۰ مرداد ۱۳۶۰)

چنانکه ملاحظه شد، نه فقط برخی مقامات مسئول حقوق قانونی کارگران را رعایت نکرده - اند، بلکه با آن نیز مخالفت هم ورزیده‌اند، تا جاییکه خشم کارگران و شوراهای اسلامی را بر - انگیزخته‌اند. همین امر را میتوان در مورد نادیده گرفتن حق تشکیل صنفی کارگران گفت، که متأسفانه در حاکمیت انقلابی و در مقامات مسئول، از جمله وزارت کار، تاکنون نسبت به تحقق آن دید ناموافق و حتی خصمانه‌ای وجود دارد. متأسفانه این واقعیت درک نمی‌شود که شناسائی حق تشکل صنفی کارگران و زحمتکشانش در شرایط کنونی، بیش از آنکه برای کارگران ضرور باشد، برای تحقق تشکل آنان در دفاع از انقلاب در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی ضرور است. هم رعایت حق تشکل صنفی کارگران و زحمتکشانشان، که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را به رسمیت شناخته و هم میدان دادن به نظام شورایی در واحدهای تولیدی - خدماتی، که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از باب "تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور... منظور گردیده، از مواردی است که باید به طور کامل به اجرا درآید. دولت و حاکمیت انقلاب باید تحقق حقوق قانونی کارگران را جزو وظایف خود شانه ناپذیر خود تلقی نماید. این خواست همه کارگران و زحمتکشانش انقلابی کشور ما در مرحله کنونی انقلاب است.

"وقتی حزب توده می‌گوید استقلال چیزی" است که بورژواها آنرا می - خواهند، برای سلطه ابر قدرت شرق زمینه سازی می‌کنند" (انقلاب اسلامی - ۱۳۵۹ دی ۱۷)

اکنون بنی صدر به قبله آمال خود، یعنی اروپای سرمایه داری رفته است (لابد برای اینکه نجارا "مستقل" کند و علیه "دوا بر قدرت" بشوراند!)، اما خطی که او دنبال می‌کرد، هنوز وجود دارد. بگوید امام خمینی؟ نفاه‌های آمریکا الان هم هستند!

وظیفه نیروهای اصیل انقلابی است که دنبال کنندگان این خط آمریکا، این نفاه‌های آمریکا را در هر شکلو لبا سی هستند، بشناسند و افشاء و طرد کنند.

مدافع انقلاب ایران هم هستند در شماره پیشاوردیم و در این شماره تنها به ذکر چند نمونه دیگر اکتفا می‌کنیم:

"در جریان بررسی زمینه سازی کودتا آورده ام و این حزب (توده) نیز با اینکارها بی سابقه نیست و در تاریخ خود بسیار از این کارها کرده است" (انقلاب اسلامی - ۱۳۶۰/۲/۸)

"حزب توده پیاده امروزی نیست در حالی که هزار این ملت تکان خورد این نیرو از پشت به ما خنجر زد. ما با این جریان تاریخی بزرگ شده ایم" (کیهان - ۱۳۵۹/۱/۳۱)

"حزب توده می‌خواست بجای وطن دوستی، مسکودوستی و روسیه دوستی را بنشانند." (انقلاب اسلامی - ۲ فروردین ۱۳۶۰)

هم با کشورهای سوسیالیستی به مخیله خود راه نمی‌داد. این بود هدف و نتیجه "سیاست" بنی صدر و انٹی کمونیسمی که او بیگیرانه تبلیغ می‌کرد: دور کردن ایران انقلابی از دوستان آن در جهان و پیوند زدن آن به سرمایه داری جهانی.

بنی صدر عین این "سیاست" را در مورد نیروهای اصیل پیرو سوسیالیسم علمی در ایران هم دنبال می‌کرد. او که نه تنها هرگز علیه مائوئیست‌های آمریکائی و چپ‌روهای مدعی سوسیالیسم علمی کلمه‌ای نگفت، بلکه با "رنجیر" ارگان گروهک سیا - پکن ساخته "رنجیران"

علنا مصاحبه کرد و مخفیانه همکاری کرد، پیگیرانه به حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) حمله می‌کرد. ما برخی از حملات هماهنگ و همزمان او را با بلندگوهای امپریالیستی علیه نیروهای راستین سوسیالیسم علمی که

آلمان داشت و امروز ثلث آن هم نیست. دو ثلث بقیه را کمپاری می‌برد، این کشور کدام است؟" (انقلاب اسلامی - ۱۳۵۹ دی ۱۷)

و بالاخره درباره همه کشورهای سوسیالیستی اروپا خزعبلات میل - جیلاس مرتد را شخوار می‌کرد:

"مگر در کشورهای اروپای شرقی و روسیه همه چیز ملی نیست؟ آیا در آنجا مستضعف‌ها آزاد شده‌اند؟ نه! آیا در چه استعمار کمتر شده؟ خیر، ابدا، در آنجا هم طبقاتی هست." (انقلاب اسلامی - ۱۳۵۹/۱/۱۷)

نتیجه این تبلیغات روشن است. خواننده "انقلاب اسلامی" بدون تردید کشورهای اروپای غربی - یعنی سرمایه داری - را می‌پذیرفت و خود را برای همکاری با آمریکا (بزرگترین قدرت امپریالیستی) آماده می‌کرد. و در عوض حتی تصور رابطه دوستانه، و برابر حقوق را

ادامه دارد

### محکوم به پیشروی

بقیه از صفحه ۱

انقلاب توقف پذیر نیست. انقلاب محکوم به پیشروی است. انقلاب باید مدام و در هر عرصه‌ای در حال پیشروی باشد تا مواضع ضد انقلاب را یکی پس از دیگری تصرف کند و به پیروزی‌های نهایی برسد. دو سال و نیم از آغاز پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم سرسپرده، طاغوتی می‌گذرد. در این مدت انقلاب تا حدودی پیشرفته است و گسترش و زرفایی داشته است. اما، بویژه در زمینه اجتماعی و اقتصادی، روند پیشرفت آن از سرعتی درخور انقلابی به عظمت انقلاب ایران، که توده‌های میلیونی در آن شرکت داشته‌اند و از آن دفاع می‌کنند، برخوردار نبوده است. هنوز ضد انقلاب دو پایگاه بسیار مهم، یعنی کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، در اختیار دارد. از آن گذشته، هنوز رخنه ضد انقلاب در رسانه‌های گروهی باقی است و راه را برای نفوذ "امیرالایسم خیری" بازمی‌گذارد. هنوز موریانه ضد انقلاب در دستگاه اداری وجود دارد. هنوز در سیستم مراقبت انقلابی ما چنان شکاف‌هایی هست که به بنی‌صدرها، رجوی‌ها، سلامتیان‌ها، غضنفرپور-ها امکان می‌دهد که از قهر انقلابی توده‌ها بگریزند. این که انقلاب عظیم ضد امیرالایستی، مردمی و اسلامی ایران، انقلابی که توده‌های میلیونی زحمتکش و محرومان در آن شرکت داشته‌اند، ضامن پیروزی‌های آن بوده‌اند و هم‌اکنون در جنبه جنگ با مزدوران صدام و در رویارویی با ضد انقلاب داخلی از آن دفاع می‌کنند، در پیشروی خود سرعتی در حد آرزو نداشته است. گناهش بطور عمده به گردن لیبرال‌هاست. لیبرال‌ها در انقلاب نقش "است تروا" را بازی کرده‌اند. آنان دشمن نقابدار انقلاب بوده‌اند و با ظاهر "اسلامی" موافق انقلاب بزرگترین ضربات را بر انقلاب وارد آورده‌اند. طی نه ماه زمامداری دولت "گام" به "گام" و سپس تصرف مقام ریاست جمهوری و نیز فرماندهی کل قوا، با توسل به انواع بهانه‌ها، انواع موانع بر سر راه پیشرفت انقلاب انباشتند و این پیشرفت را کند کردند. کارشان ترمز کردن انقلاب برای مسخ انقلاب بود. هم‌اکنون نیز بقایای شان، هر جا که هستند، سیاست ترمز کردن انقلاب و جلوگیری از پیشرفت انقلاب را به کار می‌بندند. پس از حوادث بسیار مهم دو ماه گذشته، دیگر وقت آن است که انقلاب، با تکیه بر نیروی توده‌های میلیونی، قاطعانه و با سرعتی بیش از گذشته در راه تحقق خواست‌های این توده‌ها پیش برود. پیشرفت انقلاب بدون تردید باید در همه عرصه‌ها صورت بگیرد. اما با توجه به اصل "الاهم فالاهم"، بویژه در عرصه مهم حیاتی، انقلاب باید موانع بر سر راه خود را با قدرت در هم بشکند و پیش برود. یکی از این موانع عرصه کلان سرمایه‌داری است، خاصه سرمایه‌داری تجاری وابسته، و دیگری بزرگ مالکی در کشاورزی است. خواه از نوع سرمایه‌داری و خواه فئودالی. کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی دو پایگاه اصلی ضد انقلاب، اعم از خارجی و داخلی هستند. تا این دو پایگاه متلاشی نشود، ضد انقلاب باقی خواهد بود و به هر صورت و هر تدبیر و هر نیروی برای درهم شکستن انقلاب یا مسخ آن خواهد کوشید. این دو پایگاه را باید همان گونه که هستند یعنی به دیده "استحکامات دشمن در قلب قلمرو انقلاب نگریست. اگر انقلاب از این استحکامات دشمن غافل بماند، در معرض بهانه‌ها و دلی به خود راه دهد، امید و حسارت غلبه بر آنها را در توده‌ها فرو بینداند، در واقع تن به فرسایش و شکست‌هایی خود داده است.

انقلاب می‌تواند و باید تعرض به این دو پایگاه اصلی ضد انقلاب را بیدرت سازمان دهد. این تعرض نه تنها ضرورت دارد، بلکه نتیجه پیروز مندان آن را باید تضمین شده دانست. زیرا انقلاب برای درهم شکستن بزرگ مالکی در روستا ارتش عظیمی از میلیونها دهقان زحمتکش در اختیار دارد. همچنین توده‌های میلیونی زحمتکش شهرودها، اگر آن گونه که باید بسیج شوند سازمان یابند، کلان سرمایه‌داری را دفن خواهند کرد. ارتش زحمتکش شهر و روستای ایران همان ارتشی است که رژیم "قدرت" طاغوت را درهم شکست. این همان نیروی عظیمی است که انقلاب را تاکنون، به رغم تمام دسائس آمریکا و متحدان و عمال و تفاله‌هایش، بویژه رگ انواع دشواربها و کارشکنی‌ها همچنان حفظ کرده است و با ایثار خون جوانان خویش در جنبه جنگ و در پهنه کشور از آن دفاع می‌کند. با چنین ارتش و چنین نیرویی می‌توان کوه را از جا کند. با آن می‌توان پراحتی دو پایگاه ضد انقلابی موجود، یعنی کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را، نیز تصرف کرد و راه پیشرفت و گسترش و زرفایی سریعتر انقلاب، راه سازندگی کشور را به سود مستضعفان گشود. انقلاب محکوم به پیشروی است. بیش از این در برابر استحکامات دشمن درنگ نکنیم.

### "سیا" برای نابودی...

بقیه از صفحه ۱

هیوجل به سمت معاون "بخش عملیات سری" "سیا"، برخی از ستاتورها را بر آن داشت، که خواهان استعفا و ویلیام کیسی بشوند.

بری گلدواتر، سناتور آریزونا و رئیس "کمیته ویژه سنادر مورجاسوسی" گفت:

"اینکه وی (کیسی) مردی بی تجربه را به سمت سر جاسوس کشور برگزید، خود خیلی بد وی افزود:

"انتصاب هیوجل... کافی است... گه با آقای کیسی خود استعفا کند و یار رئیس جمهورا و راب دین امر وادارد."

در اینجا باید یادآور شد، که به اصطلاح "بی تجربه" هیوجل دروغ محض است، چه استاد نشان می‌دهد که او در جاسوسی در کشورهای آسیایی از تجربیات "ذی قیمتی" بهره‌مند بوده لیکن چند صاحب کسب و تجارت (بخوان کلاسی و اختلاس) را سودآور تر دیده است.

از سوی دیگر، تداستی ونس (سناتور از آلاسکا)، به اصطلاح "شلاق" جمهوریخواهان در "سنا"، پس از مشورت با اعضای "کمیسیون ویژه" و "سوکمیسیون تخصصات دفاعی سنا" تشخیص داد که کناره‌گیری کیسی "نفع سازمان "سیا" است.

اما جزئیاتی، که اکنون فاش شده است نشان می‌دهد که "ماجرای لانگلی" از این نیز "سیاسی" تر بوده و ابعاد بین المللی داشته است. چنین می‌نماید که افشای توطئه‌های براندازی "سیا" علیه لیبی از سوی این کشور کوس رسوایی سر - دمدران آمریکا را در بازار "واشنگتن" بصادر آورد و برای آنکه هر چه زودتر قضیه "درز" گرفته شود، گاسه و کوزهر "هیوجل" شکست.

بنوشته "نیوزویک" ۱۲ مرداد ۶۰ (۳)



معمرفذافی رهبر انقلاب لیبی

اوت (۸۱)، رئیس "بخش عملیات سری" "سیا" نقشه‌ای گسترده، چند مرحله‌ای و پرهزینه برای نابودی سرهنگ معمر فذافی و سرنگونی رژیم لیبی تهیه دیده بود، که علیه رجم مظلوم نمایی دیگران به تائید کیسی و "کاخ سفید" نیز رسید بود. "نیوزویک" هدف از این نقشه را "برکناری قطعی فذافی از قدرت" توصیف می‌کند. این هفته نامه می‌افزاید:

"اعضای کمیسیون مجلس نمایندگان در امور جاسوسی، که نقشه نامبرده را از نظر گذراندند، معتقدند که این بمعنای قتل فذافی بود."

به نقل از "نیوزویک" این توطئه درست به "کارزارهای کلاسیک ایجاد عدم ثبات از سوی "سیا" می‌ماند، که از سه جز تشکیل می‌شود:

۱) "برنامه‌های اطلاعات نادرست" (به



هیوجل معاون "عملیات سری" "سیا"

ضد انقلاب، برای تدارک و اجرای توطئه‌های ضد انقلاب است، و از سوی دیگر بهانه‌ای است در دست تبلیغات ضد انقلابی، تا حاکمیت انقلابی را به استبداد و خودسری و قانون شکنی متهم کند و بدینسان به حیثیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد سازد.

آیا میتوان گفت که کسانی آگاهانه یعنی آن عناصر مشکوک و ناپایی که در دستگاه دولتی و نهادهای انقلابی نفوذ کرده‌اند و کسانی تا آگاهانه - آن عناصری که صادق اند، ولی بر - خوردی قشری و انحصار طلبانه مسائل دارند - به ضد انقلاب پرورده؟ آمریکا در این زمینه بهانه ندهاند و برای تبلیغات شوم ضد انقلابی خوراک تهیه نکرده‌اند؟ متاسفانه نمیتوان گفت.

وقتی مراکز و دفاتر برخی احزاب و سازمان‌های سیاسی هواداران انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران بدون دلیل قانونی اشغال میشوند، وقتی روزنامه هواداران انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران بدون دلیل قانونی توقیف میشود، وقتی - البته به بندرت، ولی بهر حال، برخی از هواداران انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران بدون دلیل قانونی توقیف میشوند وقتی برخی مقامات مسئول و روزنامه‌های وابسته به حاکمیت به برخی از نیروهای صادق هوادار انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران بی پروا، و ناروا ناسزا میگویند و افترا میزنند و به شکایات و اعلام جرم‌های متعدد علیه این ناسزاگوئی‌ها و افترازنی‌ها کمترین ترتیب اثری داده نمیشود...

همه اینها البته کوچکترین تزلزل در هواداری و پشتیبانی این نیروها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ایجاد نمیکند، ولی به ضد انقلاب برای لطمه زدن به حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران بهانه‌ها و خوراک میدهند، و مهمتر از آن، در مردم بدبینی و عدم اعتماد ایجاد میکند، به اتحاد نیروهای انقلابی کمک نمیکند و در نتیجه جنبه "انقلاب را تقویت نمیکند.

انقلاب چه نیازی به بی قانونی و قانون شکنی دارد؟ انقلاب چرا باید برخلاف قانون بخشی از نیروهای انقلابی را فقط بعلت تفاوت در عقاید مذهبی و سیاسی و مسلکی تحت فشار قرار دهد و فعالیت آنها را محدود کند؟ این به سود کیست؟ به همان اندازه که انقلاب حقانیت دارد، به همان اندازه که انقلاب برای دفاع از حقانیت خود باید قاطعیت به خرج دهد به همان اندازه هم

کمک امیرالایسم خبری)

۲) ایجاد یک "ضد دولت" برای مقابله با "ادعای فذافی" مبنی بر بدست داشتن رهبری ملی "مانند دولت" های بختیار، اویسی، بنی صدر - رجوی و غیره)

۳) گسترش کارزاری شبه نظامی... بدست ناراضیان (از رژیم)، انفجار پل‌ها، عملیات پارتیزانی محدود برای "اثبات" این امر که "نیروی سیاسی پرتوانی" مخالف رژیم است (بخوان: تروریسم).

گویا اعضای "کمیسیون ویژه" مجلس نمایندگان در امور جاسوسی درباره "امکان پیشبرد (نقشه هیوجل - کیسی - کاخ سفید)" و هدفهای آن "شک کردند، چون بگفته "نیوزویک":

"عوامل ایالات متحده حق ندارند رهبران خارجی را ترور کنند، گرچه چنین سوء قصدی از جانب خود لیبیایی‌ها ظاهراً باید قانونی باشد."

بنابراین، مجلس نمایندگان آمریکا را نیز "ظاهر باید" شریک جرم دانست - البته به استثنای "اختلاف عقیده" درباره اینکه چگونه می‌توان به این جنایت شکل و ظاهر "قانونی" داد و این "اختلاف عقیده" سبب می‌شود، که

"کمیسیون ویژه" مجلس نمایندگان در امور جاسوسی "بخلاف سنت"، "نامه" اعتراض شدید

الاحسن مستقیم به رونالد ریگان "بفرستند و اما دولت ریگان درباره این نامه "رسوایی لانگلی" چه می‌گوید؟ در اینجا یک بار دیگر به "نیوزویک" متوسل می‌شویم:

"دولت تفسیری در این باره نداشت!"

دولت ریگان حرف نزد، اما عمل کرد. به گزارش رسانه‌های گروهی: دولت آمریکا دیپلمات‌های لیبیایی را به جرم "تروریسم" از کشور بیرون کرد!



انقلاب باید در دفاع قاطع از این حقانیت، قانونیت را رعایت کند. قانونیت نیز یک عمل انقلابی است. ضرورت انقلاب است.

برای آنکه دفاع قاطع و قانونی از حقانیت انقلاب کارآ و شمرخش باشد، برای نیل به پیروزی قطعی و نهایی انقلاب، اتحاد نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید مذهبی، سیاسی و مسلکی، شرط ضروری، اساسی و حیاتی است. بدون چنین اتحادی نه میتوان با قاطعیت و با قانونیت از حقانیت انقلاب دفاع کرد و نه انقلاب را به پیروزی قطعی و نهایی رساند.

ولی متاسفانه، به دلایل معین تاریخی، عینی و ذهنی، این اتحاد هنوز تحقق نیافته است. مردم البته در مبارزه به خاطر تشبیت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران و تشبیت و تحکیم و گسترش انقلاب متحدند، ولی نیروهای انقلابی پیشاهنگ مردم، که وظیفه رهبری مبارزه مردم را بر عهده دارند، دچار نفاق و پیراکنندگی اند.

ضد انقلاب که میدانند اتحاد نیروهای انقلابی ناقوس مرگ اوست، با تمام نیروی جنین خود تلاش میکنند که مینه‌های تاریخی عینی و ذهنی نفاق و تفرقه بین نیروهای انقلابی را نه فقط حفظ، بلکه، با ترفندها و شگردها و توطئه‌های گوناگون، تشدید کند.

و اگر درست است که اتحاد نیروهای انقلابی مطمئن ترین ضامن پیروزی قطعی و نهایی انقلاب است، اگر درست است که امیرالایسم آمریکا، متحدان و عمال و تفاله‌هایش از هیچ جنایت و خیانت و دسیسه‌های اباندارند، تا از اتحاد نیروهای انقلابی جلوگیری کنند، و سرانجام اگر درست است که رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی

ایران نیز، با توجه به آن ضرورت و این واقعیت، همواره مردم و نیروهای انقلابی را به اتحاد فرا می‌خوانند، آنوقت همه نیروهای انقلابی برای جلوگیری از نفاق و تفرقه و تحقق وحدت عمل و اتحاد نیروهای انقلابی، در برابر مردم، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تاریخی دارند.

انقلاب ما - چنانکه تجربه دو سال و نیم گذشته نشان میدهد - توان آن را دارد که از حقانیت خود با قاطعیت، با قانونیت و با اتحاد دفاع کند و به پیروزی قطعی و نهایی برسد. در این تردید نباید داشت.



# درگذشت خلیل سامانی "موج" شاعر مردمی

در ۲۲ مرداد ماه قلب شاعری مردمی و انسان دوست، که بیشتر از ۳۵ سال در راه بیداری مردم و اعتلای ادبیات پارسی قلم زد، از نیش ایستاد.

**خلیل سامانی** (موج) از شائزده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و از همان زمان در محافل ادبی اصفهان شرکت می کرد. وی همراه با تدریس، در فعالیت های ادبی و سیاسی نیز شرکت داشت. پس از توطئه خانانه ۱۵ بهمن ۲۷ در اصفهان دستگیر شد و تا سال ۱۳۳۰ در زندان بسر برد.

"موج" پس از آزادی زندان، به تهران آمد و سروده های طنز و جد خود را در جراید مترقی و انقلابی آن زمان منتشر کرد. ورود او به تهران مقارن با آغاز انتشار روزنامه چلنگر بود، که به مدیریت محمد علی افراشته، شاعر فقید توده های منتشر می شد. "موج" در این روزنامه بعنوان یکی از اعضای هیئت تحریریه، بکار پرداخت و تا آخرین شماره "چلنگر" که همزمان با کودتای آمریکا ۲۸ مرداد بود، در انتشار چلنگر، نقش ارزنده ای ایفا کرد. گاهی سه شعروادستان سیاسی و طنز در یک شماره یا اسامی مختلف به چاپ می رسید.

و "شب شاعر" و چند اثر دیگر را به چاپ رسانید و در سال ۱۳۳۸، با همکاری چند شاعر دیگر "انجمن ادبی صائب" را تاسیس کرد و طی ۲۳ سال، با زحمات شبانه روزی، نشریه انجمن ادبی صائب (باغ صائب) را، که گلچینی از اشعار شعری معاصر ایران بود، منتشر ساخت، بضمیمه این مجله، کتابهایی با نامهای "اقتراح"، "دویست شاعر در سجد"، "پنجاه هوسه مثنوی" و چند اثر دیگر منتشر کرد.

پس از پیروزی انقلاب "موج" مجموعه اشعار سیاسی خود را، که در رژیم گذشته مکان چاپ آنها وجود نداشت، با عنوان "دزیر تیغ دژخیم" منتشر ساخت.

"موج" شاعری مبارز، انسان دوست و پرکار بود، که در اشعار خود از فصاحت کلام، نوآوری، نازک اندیشی، بهره کافی داشت. شعرش با اقبال مردم روبرو بود یکی از آخرین اشعار او، که در مجله "دنیا"، شماره ۸، سال ۵۹، با عنوان "این پاک حمله ها" منتشر شد. نشان دهنده رفعت عواطف و احساس مسئولیت اجتماعی اوست.

"موج" پس از رهایی از زندان نام خود را از خلیفه سلطانی به خلیل سامانی تغییر داد و کم کم به این نام معروف گردید. او در چلنگر بیشتر آثار خود را با مصای خلیل سامانی و موج منتشر می ساخت و گاهی نیز اسامی مستعار چون م-خ، س-خ، سیار، م-خ، سام، مع، خ-س، میمخا، م-خ-ص، اصفهان، استفاده می کرد. در سالهای ۵۰-۳۳ با مصای شیوه نیر شعر می برود. در همین زمان داستان منظوم "رنگها" را بصورت پاورقی در چلنگر چاپ کرد، که سپس بصورت جداگانه انتشار یافت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، "موج" نیز مانند دیگر شعرا و نویسندگان مترقی، تحت فشار و تعقیب سر می برد.

"موج" از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸ کتابهای "بیژن و منیژه"، "فریاد زندگی"، "یتیم"، "ملانصرالدین در انگلستان"،

## آمریکای علیه خلق السالوادور بمب فسفری بکار می برد

گزارش های رسیده از السالوادور حاکیست که نیروهای "خونتا" اقدامات تنبیهی "خود را در استان موراسان شدت بخشیده اند. واحدهای بزرگ ارتش ناک ها و توپهای فراوان به این استان شمالی السالوادور اعزام شده اند. نیروهای مهندسی دو ست شبکه محارباتی موراسان را بکلی نابود کرده و بارها به شیخون های عافلیکیرا در شاخه های اسان با مرده دست زده اند.

گزارش "پرنسالاتینا"، میهن دوستان السالوادور یک هلیکوپتر ساخت آمریکا را نابود کرده و دو هلیکوپتر و چند خودرو نظامی خسارت وارد آوردند.

ایستگاه رادیویی "ون سرموس"، متعلق به نیروهای میهن دوست، اعلام کرده است که هر یکین تحت کنترل "دولت انقلابی دمکراتیک السالوادور" در آمده است. هدف این دولت سرکوبی رژیم وابسته به آمریکا و استقرار مکرسی است.

میهن دوستان السالوادور در ۷ استان از مجموع چهارده استان این کشور به عملیات نظامی علیه "خونتا" مشغولند.

گزارش دیگر از السالوادور حاکی است که حلیبانان نیروی هوایی "خونتا" از بمب های فسفری علیه ساکنان "سوپوته"، "میراندیلو"، "پلاتانار" و "سالیتر" استفاده کرده اند. "خونتا" این بمب دهشتناک را از آمریکا دریافت داشته است و کارشناسان آمریکایی در "عملیات تنبیهی" "خونتا" شرکت دارند.

## به یاری قهرمان ملی پاراگونه بشتابید

حزب کمونیست پاراگونه خبر می دهد که آنتونیو ماپانا، دبیر اول کمیته مرکزی آن، رنده است. وی در سولوی زیرزمینی در اردوگاه امبوس کارا در نزدیکی آسونسیون در بنیاد است.

ماپانا با پیوسته شکنجه می شود و جان او را خطر مرگ تهدید می کند.

حزب کمونیست پاراگونه از مردم جهان خواسته است تا به نجات این قهرمان ملی پاراگونه بشتابند.

## وقایع مهم جهان در یک هفته

### کمک های بیدریغ اتحاد شوروی به لهستان برای غلبه بر بحران کنونی

رهبران اتحاد شوروی و لهستان به بررسی اوضاع لهستان پرداختند و عزم دو کشور را مبنی بر گسترش همکاری متقابل تا بیاید کردند.

در بیانیه مشترکی که پس از ملاقات لئونید برژنف، آندره گرومیکو، کنستانتین چرنکو و کنستانتین روداکوف (اتحاد شوروی) و استانیسلاو کانیا و ویسلیخ یاروزلسکی (لهستان) در کریمه انتشار یافت، گفته می شود:

"دشمنان سوسیالیسم قصد آن را دارند که با دست یازی به اقدامات تخریبی از اوضاع پیچیده لهستان بسود خود بهره برداری کنند. اعتصابات و تظاهرات هفته های گذشته تهدیدی جدی برای امنیت کشور بشمار می روند. در چنین شرایطی، حزب متحد کارگری لهستان و دولت جمهوری، وظیفه خود می دانند که بجنگ بی امان با ضد انقلاب پردازند."

طرفین "دیدار کریمه" به اصطلاح "قطب نامه در باره لهستان" را که چندی پیش به تصویب مجلس نمایندگان کنگره ایالات متحد رسید، "کوشش برای مداخله در اموریک کشور سوسیالیستی" می خوانند.

تربیب نالدو" مقاله ای از میروسلا میلوسکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، چاپ کرده است.

میلوسکی می نویسد:

"ادامعاً اعتصابات و راه پیمایی های اعتراضی پس از کنگره نهم حزب، که مردم را به کوشش در راه خاتمه بحران دعوت کرد، از فعالیت های ضد انقلابی در کشور پرده بر میدارد. دشمنان سوسیالیسم و ماجراجویان معروف از نفوذ خود در "همبستگی" سوء استفاده و دستور های اربابان خارجی خویش را اجرا می کنند. آنها می خواهند اوضاع را به رویارویی بکشاند، زندگی مردم را مختل سازند و سرانجام قدرت را در لهستان بدست گیرند."

میروسلا میلوسکی عزم حزب را مبنی بر اعمال قانون تاکید می کند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی و مردم این نیروهای، که برای غلبه بر بحران می زنند، ابراز می دارد.

با توجه به دشواری های اقتصادی لهستان، اتحاد شوروی موافقت با باز پرداخت دیون لهستان را پنج سال بتعویق می اندازد و مقدار اضافی مواد خام برای صنایع سبک و برخی کالا های مصرفی در اختیار این کشور می گذارد.

بیانیه کریمه "خاطر نشان می سازد که: دوستی میان دو کشور (اتحاد شوروی و لهستان) یکی از پی ستون های تعادل کنونی نیروها در اروپاست."

روزنامه "زول نژوول نوتسی" مقاله ای درباره مداخلات ایالات متحده در امور داخلی لهستان چاپ کرد بنوشته این روزنامه:

مهمترین سد در راه احل سیاسی بحران

پییمان دوستی و همکاری میان لیبی، یمن دموکراتیک و ایتوپیا

در عدن مذاکراتی میان رهبران یمن جنوبی، لیبی و ایتوپیا درباره همکاری میان این کشورها در زمینه های اقتصادی، سیاسی و غیره صورت گرفت. شرکت کنندگان در این مذاکرات عبارت بودند از: علی ناصر محمد، معمر قذافی و منگیستوها بله ماریام.

علی ناصر محمد گفت:

"تجارت و اتان نیروهای امپریالیستی، که اسرائیل را به پیشبرد هدف های خود تشویق و در مصر، سومالی، عمان و اقیانوس هند پایگاه تاسیس می کنند، امنیت منطقه را به خطر انداخته است."

در پایان مذاکرات نام برده، یک پییمان دوستی و همکاری میان لیبی، یمن دمکراتیک و ایتوپیا بسته شد، که زمینه های سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد.

بگفته علی ناصر محمد، این پییمان "مبارزه علیه تجاوزات نیروهای امپریالیستی را، که منافع خلق های منطقه را بخطر می اندازند، آسانتر خواهد ساخت."

## آلمان غربی به یکی از بزرگترین صادر کنندگان کالاهای تسلیحاتی در جهان بدل شده است

در پیوند با ساختن دوز بر دریایی برای "خونتا" ی شیلی، هفتگه نامه "دی تسایت" آلمان غربی چندین پیش به مسئله افزایش صادرات تسلیحاتی این کشور اشاره کرد.

"دی تسایت" می نویسد:

"در سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ "جمهوری فدرال" ۷۱/۶ میلیارد مارک کالاهای جنگی صادر کرد."

هفته نامه آلمان غربی یاد آور میشود که در سالهای گذشته صدور کالاهای

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)  
آدرس: منطقه ۱۳ پستی  
صندوق پستی ۱۱۱۷/۱۳۴

در پیوند با ساختن دوز بر دریایی برای "خونتا" ی شیلی، هفتگه نامه "دی تسایت" آلمان غربی چندین پیش به مسئله افزایش صادرات تسلیحاتی این کشور اشاره کرد.

"دی تسایت" می نویسد:

"در سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ "جمهوری فدرال" ۷۱/۶ میلیارد مارک کالاهای جنگی صادر کرد."

هفته نامه آلمان غربی یاد آور میشود که در سالهای گذشته صدور کالاهای

## بیرک کارمل در سخنرانی روز استقلال: هیچ حیلۀ دشمن نمی تواند مردم افغانستان را از راه انقلاب دور سازد

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ مردم افغانستان روز استقلال خود را بزرگ داشتند. آنها شصت و دو سال پیش استقلال خود را از استعمارگران بریتانیا باز پس گرفتند.

در حال حاضر، مردم افغانستان در راه ساختمان جامعه ای نو، که در آن عدالت و پیشرفت اجتماعی حکمفرما باشد کوشش می ورزند. دولت افغانستان همه کوشش خود را در راه افزایش تولید در صنعت و کشاورزی، توسعه بازرگانی، آموزش و پرورش و بهداشت و بالا بردن سطح زندگی سکنه بکار می برد. در این زمینه، اصلاحات ارضی از اولویتهای خاص برخوردار می شود، که در جریان آن بسیاری از دهقانان، بطور رایگان صاحب زمین شده اند. مردم افغانستان هر چه بیشتر گرد حزب دمکراتیک خلق افغانستان و دولت این کشور جمع می آیند، تاسیس جبهه ملی-میهنی نشانه این وحدت فزاینده است.

افغانستان فعلاً نه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همکاری می کند، حجم مبادلات بازرگانی خارجی افغانستان در سال گذشته ۳۷٪ افزایش یافت، که دلیل عمده آن توسعه صادرات بوده است. اتحاد شوروی به افغانستان کمک بیدریغ اقتصادی و نظامی علیه مداخله گران خارجی می رساند.

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ به مناسبت روز استقلال افغانستان پیامی میان رهبران شوروی و افغانستان مبادله شد. برژنف و تیخونوف در پیام های خود خاطر نشان ساختند که کشور نوپای شوروی نخستین کشوری بود، که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت، از سوی دیگر، افغانستان نیز بعنوان اولین کشور حکومت شوراهای برسمیت شناخت. این واقعیت بنیادی استوار را برای توسعه مناسبات حسن همجواری میان دو کشور تشکیل داد. انقلاب شوروی ۱۳۵۷ افغانستان چشم انداز همکاری های شریکتر میان افغانستان و اتحاد شوروی را گسترش بخشید. رهبران شوروی در شادباش های خود خواستار پیروزیهای بیشتر مردم افغانستان در دفاع از دستاوردهای انقلاب و نو سازی جامعه شدند.

بیرک کارمل و سلطان علی کشتمند در پیام های خود از اتحاد شوروی بخاطر کمک آن به افغانستان در مبارزه با تجاوز امپریالیسم، برتری جویی و ارتجاع محلی سیاستگزاران و اظهار امیدواری کردند که دوستی و مناسبات برادرانه آنها به سود خلق های دو کشور و پیشبرد صلح، امنیت و ترقی اجتماعی توسعه یابد.

بیرک کارمل در سخنرانی در روز استقلال مداخله نظامی نیروهای امپریالیستی و چین را در امور داخلی کشور خود محکوم کرد و خواهان قطع آن شد. وی گفت:

"هیچ حیلۀ دشمن نمی تواند مردم افغانستان را از خط انقلاب دور سازد."  
بیرک کارمل مادگی افغانستان را برای توسعه روابط با همه کشورهای بر پایه حقوق برابر تانکید کرد.